





همراه نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَنْ هَدٰی لَنَا مِنْ هٰذِهِ الدَّرَجَةِ  
 و برو اسم موسیٰ بحت بحق صاحبی و طرد اولیٰ الله الله الله  
 برحمتك یا ارحم الراحمین اگر میان زن و شوهری کدوره باشد باید  
 یازده روز اسفند دود کند و این تعویذ نوشته و در موم گیرد و از آن  
 آب زن و شوهر بخورند و تعویذ را در خوا بگاہ خود پنهان کنند  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ لِاِحْوَالِیْ وَ لِاقْوَةِ اِلٰهِ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ  
 الْعَظِیْمِ یَجِیْبُوْنَهُمْ كِتٰبَ اللّٰهِ وَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ فَاَنْ  
 تَوَلَّوْا فَلَیْحَبِیْ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ  
 یا حی یا قیوم برحمتك یا ارحم الراحمین بجهت ملاندن فرزند  
 اگر زنی فرزندی ندارد این تعویذ را نوشته همراه نگاهدارد  
 حامله شود و دیگر فرزندش تلف نشود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 هر هه اذونے الامام اولاد و مطهر الله لاله الا هو الحی القیوم اهیًا  
 شاهیًا اصباؤث آل شدای انه من سلیمان و انه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ  
 الرَّحِیْمِ مؤذلك كرمك برحمتك یا ارحم الراحمین احضار  
 برنگ شفاف چهارمك را نوشته باسم طالب و مطلوب و در آتش اندازد

افضار مسافرت رفتن برای  
 روی مس نقش نموده در آتش گذارد  
 و یا روی کاغذ زرد نوشته با  
 دانه میخک بسوزان و یا برکت  
 کرسند یا گاو نوشته بسوزان  
 و یا بسنگ سفید و اگر خواهی که  
 مسافرت نرود نوشته در باد  
 بیاویز و اگر خواهی بخت خلی

۸۸	۸۸	۸۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸
۳۸	۳۸	۳۸

باتوزیاد شود روی طلا نقش کرده همراه نگاهدار برای زیان بند بکاغذ مؤثر است  
 اِنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا  
 خِصَاصُ مَرْبَعِ اِنَا فَتَحْنَا لَكَ  
 جِهَتِیْ مَشْكَالَاتِ زَنْدِکِ وَ  
 نَحْ وَ كُشَايِشِ كَارِ  
 وَ دَشْوَارِیْهَا وَ اَمُورِ زَنْدِکِ

۵۱۹	۵۰	۴۸۹	۱۰۳
۴۹۰	۱۰۲	۵۹۲	۰۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

زبان بند روی طلا و یا برنج نقش شود همراه نگاهدارد  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِهِ  
 وَ حَبَرَتِهِ  
 ۱۰۳۳۱۵۲۲



حجبة وزبان بند خلقی شرح

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

این شکل استیاری والد  
 وخواص آن زیاد مخ  
 است برای محبوب  
 القلوب خلق و بوی  
 گشایش کنار و فف  
 زیاد شدن روزی اص  
 و محبت مطلوب و  
 محفوظ بودن از بلا یا اگر کسی این شکل را روی طلا تشرک  
 و همراه نگاه دارد نزد بزرگان قوم و صاحبان  
 دولت و عزت بلند مرتبه گردد و حرمت او را نگاهدارد  
 و اگر همان لوح طلا را به نیت محبت و زبان بند بآب ز  
 و بمطلوب دهد تا بخورد مطیع او گردد و اگر آب بزندان  
 مرتبه و آن آب را در جامی که سحر کرده باشند بیاشد تا  
 آن سحرها باطل شود و اگر برای شخصی جادو کرده باشند  
 بار آب زده و بصورت زده و قدری بیاشد جادو باطل گردد

این و سردی این مربع را بجهت جدائی و سردی روی وصله

المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ
المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ
المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ
المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ	المبتدئ

من حاک نموده باسم طرفین  
 کورستان که هند دهن شود  
 اگر سیر راه طرفین مدفون گردد  
 زان و کدوره افند مؤثر است

از غنچه  
 اگر بر کاغذ نویسی همان خاصیت را دارد و اگر دو صورت بسازی  
 در سینه آنها گذاری باسم طرفین نیکوست و در مقبره که هند دهن نماید

این بند باید همراه دارد  
 ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز  
 س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل ن و ه و لا

و یحیی یا جارا و کان بحق الیوم تختم علی افواههم و تکلمنا الیوم  
 تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون  
 هذا الیوم لا ینطقون و لا هم یوزنون لهم ینفذون

بسم الله الرحمن الرحیم  
 یا ایها الذین آمنوا لا یسئروا فیکم فکم لکم فیکم فکم لکم فیکم  
 یا ایها الذین آمنوا لا یسئروا فیکم فکم لکم فیکم فکم لکم فیکم





عضل و ازدواج اگر خواهی شخصی را حاضر گردان بز خود این شکل را روی  
 قلی سوراخ نقش نموده با اسم مطلوب و مادری او در آتش دفن کن

اگر خواهی که مردی مطیع زنی گردد و آن زن قلب آن مرد را تسخیر نماید  
 و او را مانند خر سوار شود و هر چه گوید قبول کند طریقه عمل چنین است  
 ابتدا باید هشت لوح ترتیب دهد یک طلای پاک و هفت لوح هفتجوش  
 و روی تمام لوحها این شکل را نقش نماید در ساعت سعد و طلا



زودی خواهد آمد و اگر زنی خواهد که  
 مردی با او ازدواج نماید همین فعل  
 را بر وصیله از مس نقش کرده در آتش  
 نارد با او ازدواج نماید و اگر  
 خواهی که کسی با تو محبت پیدا کند

بویس نعل را روی کاغذ با اسم مطلوب و مادری او و قام خود و مادر خود

با هفت دانه فلفل سیاه در آتش انداز و یا با آتش بدون فلفل بسوزان

بتر است آید های محبت و زبان بند اگر خواهی زبان کسی را ببندی

این آید را با اسم او هفت بار بر شیرینی بخوان و بیده تا او بخورد و اسم الله را

بجعلنا من بین اید یهم سد او من خلفهم سدا فاعشیناهم فهم لا یبصرن

بجعلنا فی اعناقهم اعلا لا فحی الی الاذان فهم مغمون محبت دوستی

این آید را بر شیرینی بخوان و بمطلوت بخوران با اسم او و مادری او بتر است

بجوفهم کحب الله والذین امنوا شد احب الله هفت مرتبه بخوان



راه را کند و هفت لوح دیگر در هفت چاه آب عمیق اندازد و باید اسم

مطلوب و مادری او و اسم خود و مادری خود را پشت لوحها بحروف ایجد

حاک نماید و چهار شب فنبله سکا که را بسوزاند و نعل سلیمان را

در آتش کند البته چنان مطیع شود که هر عبرت بمانند











سياه کردن و بديهي اگر خواهی زيرا در نظر مردی و با تمام مردها سياه  
 کن که آن مرد و مردهاي ديگر باو نگاه نکنند چها لوح ترتيب ميدي  
 از چها رجوش سلیمان و يك لوح از طلاي خالص و نقش ديوسلیمان  
 روی لوحها نقش کرده در ساعت قدر عقرب و با ساعت زحل که خال از  
 نحوس نباشد و عطارد نزدیک مریخ میان ۱ درجه و بیست و سه دقیقه  
 و خانه شمس ناریک و ظلمت در خانه زحل باشد پشت به قبله کند  
 دهان فلج لوح طلا را در آن میت بچینده و روی کفن مینویسی فلان  
 زائیده فلان سياه کردم در نظر فلان زائیده فلان بحق سوره مبارک  
 بسم و القرآن الحکیم آنگاه آن لوح را که در کفن بسته ای در رود  
 آب انداخته و با زینت سردی میکنی و ۴۱ ساعت که گذشت چهار لوح  
 ديگر را دو عدد در چاه آب انداخته و یکی را در قبر شهيد دفن کنی  
 و یکی را ۳ روز پشت بقبله آویخته و بعد ۳ روز در آتش ميگذاری  
 و بیرون آورده و صورتی از آن زن را بسازی و روی سينه و صورت  
 شکل این اشکال را مینویسی و در پارچه سياهی بسته در قبر کشته دفن  
 میکنی اشکال اینست **بسم الله الرحمن الرحيم** و لا یسألک الله الی

بخت گشای اگر بخت دختری را بسته باشند خواستگار بیاید و کار تمام نشود  
 باید قطعه از لباس دختر را بشکل دایره بریده و این اشکال را روی آن  
 نوشته و هفت قطعه کند و هر روز یک را بسوزاند اشکال اینست **حلسه**  
 ۶۶ سلناة المساکهتیا آهتیا شرهتیا اصباوت آزوت یا جبرائیل علیه  
 صلواتی محطی لوه لوه کلها و هر روز اسفند دود کند هر روز صبح و آب  
 باطل سحر بر ریزد و آنگاه در روز دهم سوره احزاب را با  
 گلاب و زعفران روی کاغذ نوشته با اسم خلق و در حقیقه کللی  
 گذارد و در اطاق خواب خود پنهان کند بزودی بخانه بخت رود  
 ایضا بخت گشای دختران سوره و اللیل را با زعفران و گلاب نویسی  
 و میان سوره بقره لای قران مجید نهاده و در اطاق خواب دختر  
 گذارد بزودی خواستگار پیدا شود و بخانه بخت رود اما باید قبله  
 باطل سحر کند رها از فقر و پریشانی اگر خواهی از فقر و پریشانیجات  
 با یک لوحی از فقره پاک ترتیب ده و این اسماء را روی آن نقش  
 کن و هفت هفته بگلاب زده بصورت بز و لوح را همیشه همراه  
 خود نگاهدار ایست **العلیم الحکیم العلی العظیم** یا بقدر یقت بنام فر

خدا فی سر و زلف اگر خواهی زن و مردی که بهم علاقه دارند از هم جدا  
 کنی البسند اگر بجای باشند ز نهار که بین دو حلال نباشد ۱۰۰ دان  
 گندم بیاورد و سوره فیل را ۱۰۰ بار بپزدانه گندم بخوان باسم  
 آنها یعنی هر سوره را که بپزد گندم خواندی بگو بجد اگر فلان زائده  
 فلان را از فلان زایند فلان وقتی تمام شد تمام کند مهر را بمرغ  
 زرد بده و صبر کن تا بخورد بزودی از هم جدا شوند بارها تجربه شده  
 بار تریزه و منزله بند این کلمات را روی کاغذ بنویس و هر روز مریض منجی  
 در چشمه های حروفات بگوید باید وقت رفتن آفتاب باشد اینست  
 مقطع مهمقطع و مع جمع حب القلوب شد اگر این اسم  
 را روی طلا نقش نموده همراه دارند محبوب القلوب شوند اینست  
 (یا مخاربت) توانگر شد اگر این نام را روی طلا و یا نقره نقش  
 نموده همراه کنی تو آنگر گدی و هم تو را محترم دارند اینست  
 (یا مستطیع) اگر خواهی حرفه تو افضل باشد روی طلا و یا نقره و یا کاغذ  
 نقش نموده همراه کنی خوف تو افضل باشد اینست ۱۰۰۰۰۰۰۰۰  
 دعا سر درد بنویس و مریض به سر خود بندد بنم الله الرحمن الرحیم و کلیم و ذر  
 بالوسید و طلعت لیل فلولیت منهم قرار ازلک منهم و عبا ۴۵ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ح و

تحت شدید اگر خواهی تمام مردم و یا مردی با تو محبت پیدا کند این طلسم را روی  
 فنجش نقش نموده و همراه کن و اگر خواهی که محبت مردی بتو شد بد باشد و آرام  
 گیرد هفت لوح از هفت گوش و یک لوح از طلای ناب ترنیب بده و طلسم را نقش  
 نموده در عتق سعد و طلا را همراه کن و بقیه را در آب جاری مثل فناء انداخته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ اَعْلٰى اَشْرَافِ سُلَاطِیْنِ اَزْوَاجِ اَلْمَلٰئِكَةِ وَ اَسْفَلِ اَسْفَلِ السَّمٰوٰتِ اَعُوْذُ بِكَ يَا مُجِیْبُ دُعَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ مِنَ الْوَيْلِ وَ الْعَنَةِ وَ اَلْقَبْرِ الْعَسِیْبِ اَمَّا بَعْدُ فَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ

۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰

فِى السَّمٰوٰتِ وَ اَلْاَرْضِ وَ اَسْفَلِ السَّمٰوٰتِ اٰمِیْن

رجال قنیلک سلیمانیا بسوزان و اگر میان زن و شوهر جدائی افتاده باشد  
 که ترک کرده باشد او را شوهر او همین لوح روی ۱۰۰ لوح سه گوش نقش نموده و  
 بمزایم سلیمانیا هفتاد بار بر تمام لونها بخوان و برای کوهی چهل لوح را در  
 مکان در کرده و یک را در آتش گذار تا بماند بسوی او آید با حبه و باطل نشود



از برستی مرد بیاورد پاره قوس نه افی داورا هفت گره بزند در هر گره زده اند  
بخوانند بسم ذکر فندون بویفج فندنه بحق

اِذَا رَحَبَتِ الْاَرْضُ رَحًا وَ لُبَّتِ الْجِبَالُ لَبًا فَكَانَتْ هَبَاءً  
مُبًّا وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهَا  
سَدًّا فَاعْتَنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ حَتَّىٰ اِذَا سَاوَى  
بَيْنَ الصَّدْقَيْنِ قَالَ انْفِخُوا حَتَّىٰ اِذَا جَعَلَهُ نَادًا قَالَ  
اَلْوَنِي اَفْمَعْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْتَطَاعُوا اَنْ يَبْظُوه  
وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقًّا وَاَنزَلْنَا مِنْ سَمَاءٍ مَّرْكَبًا لِيُبَيِّنَ  
لَهُمْ اَنْ هُوَ الَّذِي كَفَرَ اَنْ يَكْفُرَ لَكُمْ كَمَا كَفَرْتُمْ لَكُمْ  
كُنْهَ كَرَامَتٍ حَاصِرٍ كَرَدْتُمْ اَخْوَاتٍ دَعَارًا بِرِندَرِ كَشَمَهْ مَجْمُود

اللهم فرق بين النار  
ظفر قوت بين اليهود والنصارى  
اللهم فرق بين النار  
ظفر قوت بين اليهود والنصارى

سرد شود  
فاز زائیده فاز از فاز زائیده فاز

در بیان کشارن مرد لبره شد ابتدا را بنوبه بک و زعفران بطرس و بعد  
انرا سوید آب روان و آن آب سو بخورد دهیم بهر خود بریزد کشته کرد  
بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا لك فتحا قريبا ففتحنا اياهم  
ابواب السماء بماء منهمر افتح يا الله بحق هذه الاسماء المكتوبة  
يا رب الارباب ويا صبيح الاسباب محمد واله الطهريين

و اگر مردی بخواهد زینرا بگیرد اگر مردی بخواهد زن بد و هر جا بر آید  
۳۹ لوح باید نقش نماید از دیوسلیمان سردی از مردان یک را در  
عمیق و یک را در رودخانه و یک را در بیابان لوت و ۳ عدد دیگر را  
هر روز بگر آب زده سیر راه آن مرد وزن بیاشد بزودی بهم میجو



### لوح بزرگ بلفیسی سلیمان

۶	۴	۲
۷	۵	۳
۸	۶	۴
۹	۷	۵

۶	۴	۲
۷	۵	۳
۸	۶	۴
۹	۷	۵

محقق شهبوطیش و شهنشاهان

و این عیادت عورتش

و الموده الرحمه بحق شهبوطیش

حق ابومره ایلش و زهره

سید و کز سدر اسول بحق یعقوب

وز ولعه و بحق هذه الکلام طیش طیش

افذا فنجیح عجلو ابانوسا الجین

والشیاطین هکلیما شد المهیج

بمسطواش

کسه کسه

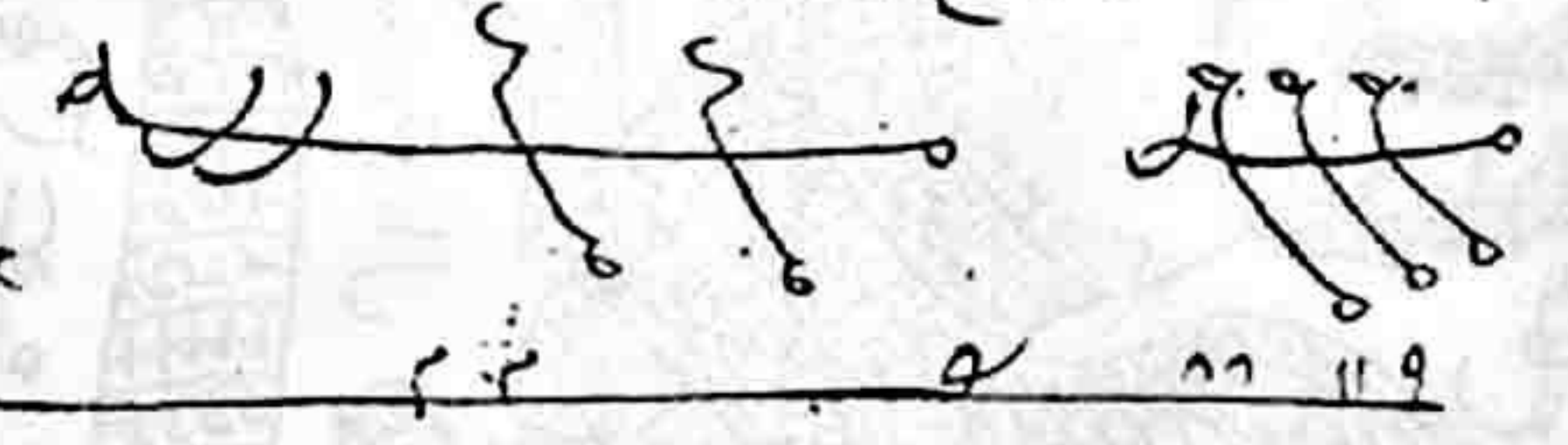
کسه کسه

کسه کسه

کسه کسه

کسه کسه

ایضا از برای کشیدن رود بر تخته اس ابوهنوبه بکاغذ بر رطاب نکس در آریان  
 شده روزها چند از آن آری بخورد و بهم غسل کند بفرمان الله که هر که  
 دعا اینت ان الله یمید السموات والأرض ان توفلا ولعن  
 التان ان امسکهما من احد من بعده انه کان  
 حلما غفورا افتح یا الله فلان ان فلان



الخوانسره عاشق دینار جو کرده بیاد در هفت حب نبات و بر هر یک یکبار  
 اسید عالمو بخواند بعد بر دهنه بخورد هر کس از آن نبات بخورد در حجت دهنده بدو  
 کرد دعا اینت زیتن للناس حب الشهوات من النساء والبنیان  
 و الفاطیر المقتطرة من الذهب و الفضة و الخیدل الموصدة  
 و الألقام و الحب ذالک مبیاع الحیواة الدنیا و الله عنده  
 حسن الثواب یجیبونکم کما اللذین امنوا اسد حبا

دُوسِیَاهِیْ اَز هَفْتِ پِگِرِ سَیْمَانِیْ

الفراق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق

وَالْفِیَابِیْنِهِمُ الْعَدَاوَةُ  
وَالْبَغْضَاءُ الْیَوْمِ  
الْقِتَابُ الْمَنَیْنِ  
الْكَذُورَةُ فِي الْكَذُورَةِ  
فَرَقْتُ بَيْنَ رَمِیْنٍ  
وَإِسْمَانِیْنِ

۳۰۲	۳۰۳	۹۹۱	۲۴۵
۱۱۵	۳۱۱	۹۵۶	۴۸۷
۹۰۹	۳۰۵	۲۰۱	۱۱۴
۳۳۲	۳۳۳	۲۰۱۱	۳۳۲
۳۳۳	۳۳۳	۷۱۰	۲۲۲
۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳

الفراق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق

اَز دَهَائِیْ پَهْلِیْفُورِشْ

الفراق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق

الفراق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲

الفراق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق الفریق

( در صفحات بعد شرح عمل ازدها مذکور خواهد شد )

صدناه شیطانی لبنائی حبّ شدید

المیلین	لمتقوم	روفاه	لنتوش	نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست
لمتقوم	روفاه	لنتوش	نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست
روفاه	لنتوش	نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین
لنتوش	نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین	طیشین
نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین	طیشین	روفاه
لافیطوره	سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین	طیشین	روفاه	لنتوشین
سیاقوه	الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین	طیشین	روفاه	لنتوشین	نیا هوه
الملوشین	طوشین	ابومست	ابومست	المیلین	طیشین	روفاه	لنتوشین	نیا هوه	لافیطوره
طوشین	ابومست	المیلین	طیشین	روفاه	لنتوشین	نیا هوه	لافیطوره	سیاقوه	سیاقوه

اگر خواب کرد از راه دور بیاد در این مهر سو یک غنچه در شسته اند از دو بار زغن اینون  
در آتش ملین بند و هارده بار صلوات بر خد و ال ادنوستد در شجرات لوز اند  
از نقل عود و عنبر مشک و مندرین نشاء الله تعا لغویان خدا نکس حافظ زنی  
اگر خواب کرد از زن غنچه مرغ مرغان این مهر سو ساعت کد در خوابگاه نکس  
که بپوشد مغز بید در خاک روض کند نکس نشاء الله تعا لوزمان غنچه مرغ اگر برین در خد و آنزده روز  
برگردد و مهر عالیقدر در دنا بدر اینست

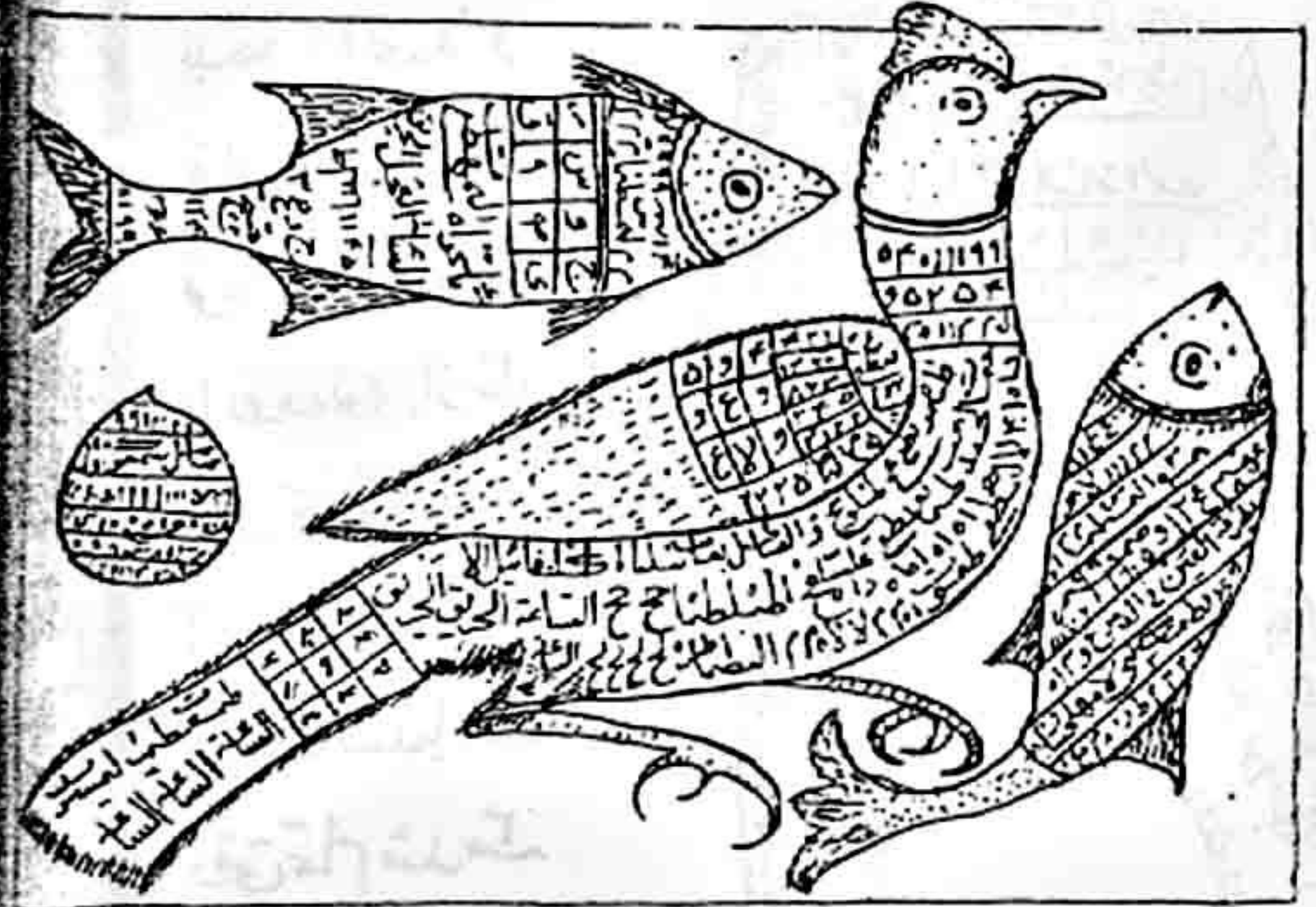
۱۷ ۵۸ ۳۵ ۱۴ ۵۶ ۶۱ ۳۸ ۳۳ ۳۱ ۶۱ ۳۱ ۳۱ ۳۱ ۳۱ ۳۱  
 ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲  
 ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳  
 ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴ ۱۴  
 ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵ ۱۵  
 ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶ ۱۶  
 ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷ ۱۷

والیانی در صبغ بیّن کشته است

حبّ شدید اگر کسی این لوح را روی هفت جوش نقش کند  
 با ستم هر کس که خواهی و در آتش دفن کند آنطرفی قرار گردد و  
 دمی آرام نگردد و اگر روی کاغذ نقش شود با برگ بید و برگ  
 و دانه فلفل سیاه در آتش سیخند بسوزانند بسیار مؤثر است  
 و اگر روی پاره لباس مطم نوشته بسوزانند با سما طرفین محبت شدید است



بخت گشای و حبه زن و شوهر اگر دشمنی از روی عداوت بخت دختری  
بسه باشد که گشایش نشود بهنج دعا طرز عمل چنین است لوحی از  
هفتجوش ترتیب دهد و شکل پایش را روی آن لوح نقش نماید بنا



تمام خلق زاده خوا بن آدم بحبه و عشق و از رواج با فلان زائیده  
و سورة احزاب را نوشته و هراه کند و لوح را همه روزه باب زندو  
بصورت زره و هفتلای یکبار آب لوح را بر سر زیزد تا هفت هفت  
بگذرد و در این مدت قیتله بسوزاند بخت دختر گشاده گردد الش تع

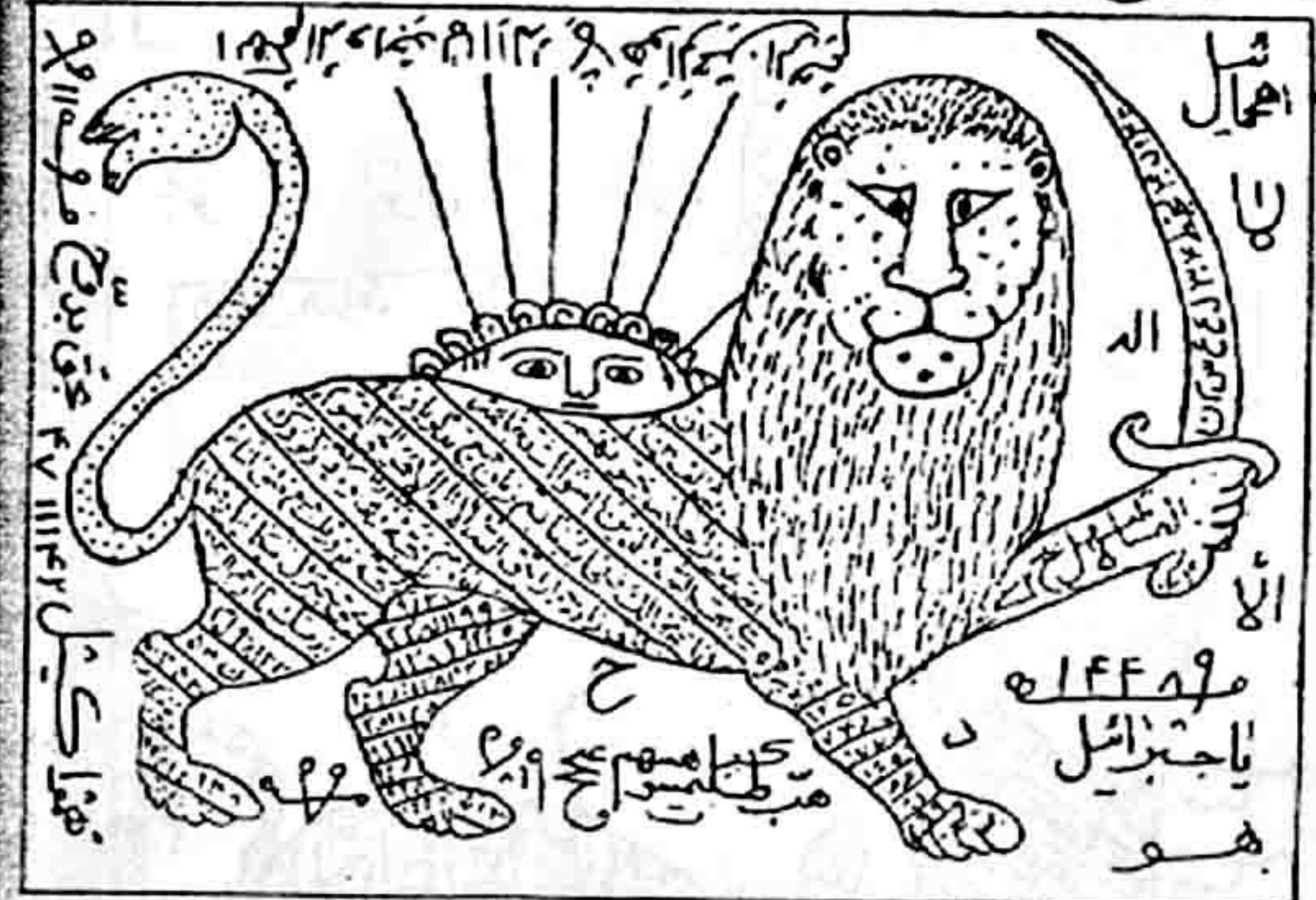
اگر مردی زنی را بخواند ای عزیز من این نسخه در اینجا ثبت شده اما هرگز عمل  
کنی که کتاه عظیم دارد و نفرین اهل زمین و آسمان بر تو باد اگر عمل بحرا  
کنی مگر بحلال که ثواب دنیا و آخرت برای تو هست و اما طریقه عمل چنین است  
اول سی و نه قطعه مس بشکل قبا اندازه این لوح ترتیب ده و همین نقش  
را روی آنها نقش کن بنام صیالب و مطم وقتی تمام لوحها تمام شد باید  
عزایم سلیمان به یک یک لوحها بخواند و هر پنج لوح را در یک قنای انداخته  
و بوی انداخته محبت فرار در دل فر این عمل باید بدست طالب انجام گیرد

و بعد هشت قفل زبانبند را در آب اندازی آنگاه شش پشقاب  
از عزمه بزرگ را کنده یک در آتش و یک در آب و چهار عدد دیگر را  
پایش کوهی دفن نموده و شب قیتله سلیمان را بسوزان و نعل  
لقیطورش را در ساعت سعد حاک نموده و در آتش مدفون نماز

و آنگاه تفریق نمائ آن زن را از تمام مردان و عمل تفریق باید  
در قبر کشته انجام دهی آنگاه سه روز صبر کنی تا دانه که کاشته  
بمرد برسد آنگاه آن مرد پنزد مطلوب رود یا اگر نرود او خواهد  
آمد و اگر مانع داشته باشد وسیله فراهم خواهد شد که مطلوب برسد



طلسم حجت خلقی هر ای اگر کسی بخواند چیزی همراه داشته باشد که باطل نشود و برای زیانند خلقی و محبت خلقی و باطل سحر و کشتایش کار و پیشرفت زندگی مؤثر باشد باید این طلسم شیر و خورشید را در ساعت سعد اول روی هفتجوش و در درجه دوم روی طلا و یاروی برنج نقش نماید و بخور اسکندر را در آتش کند و همراه نگذارد



برای محبت اگر آتش بخورد مطلوب دهد حجت زیاد شود و اگر آب یا گلاب زده بصورت زندگی حجت خلق است و اگر به نیت باطل سحر یا ب زندگی بخورد و بیاشد سحر باطل شود و اگر همراه باشد و هر روز بگلاب زده بصورت زندگی کار برود در کار او کشتایش پیدا شود اگر دختر سر بریزد حجت او

اولی کبیر بسم الله الرحمن الرحیم ناد علیا مظهر العجائب  
 تجوه عوننا لك في النوائب يا الهی صمدی من عندك مددی بحق  
 ایاك نعبد و ایاك نستعین بحق محمد العزیز یا کریم تگن منی یا کریم  
 ناد علیا مظهر العجائب یا جلیل و الجلال فی جلالك یا جلیل العجب  
 امیر اسمیل سمیعاً بحق هذه الاسماء الاعظم عزمت علیکم یا  
 کفائیل یا کموا کبیل یا مکفیل یا شور اسمیل احضرو یا معشر الجن  
 و الشیاطین احبب یا میکائیل یا حفلائیل یا ذق اسمیل یا طاطائیل  
 یا نقائیل یا طوطائیل یا و کفائیل یا رعها اسمیل یا رونا اسمیل  
 یا قننا اسمیل یا شرقائیل یا هرقائیل یا طومائیل یا برقائیل  
 احضرو لیا معشر الجن و الشیاطین سامعاً مطیعاً یا تخیشا یا لنفسنا  
 یا ملینا یا طلمینا یا وهمینا یا هلیلنا یا طوشیا یا و خیشا یا بعلفناش  
 عدلیس آشه نباش متعال یا صر فیا اسمیل و یا سرخیا اسمیل و شماوش  
 ارفوش بحق هذه اسماء العظم ان تفضی حاجتی برحمتك یا ارحم  
 الراحمین حجت شد ید اگر کسی شکل صفحه مقابل را روی  
 قطعه از مس نقش کند در آتش نهد حجت شدید و جذب است

و اگر روی سه جوش نقش گردد در ساعت سعد و عوا میخوانند شود



در آتش مودقن شود برای

احضار و حجت و جلب مطلوب

است و اگر روی کاغذ سه

عدد نوشته شود با اسم معطر

و سه اذان بسوزد یا فلفل احضار

و حجت شدید است قدر این نسخه را بدانید و بدست نا اهل ندهید

حجت شذید اگر خواهی حجت کسی را بطرف خود جلب نما

که بفرار گردد و وجودش با وجود تو یک گردد و در تو نحو شود اگر

داشته باشد این شکل نعل را نوشته و

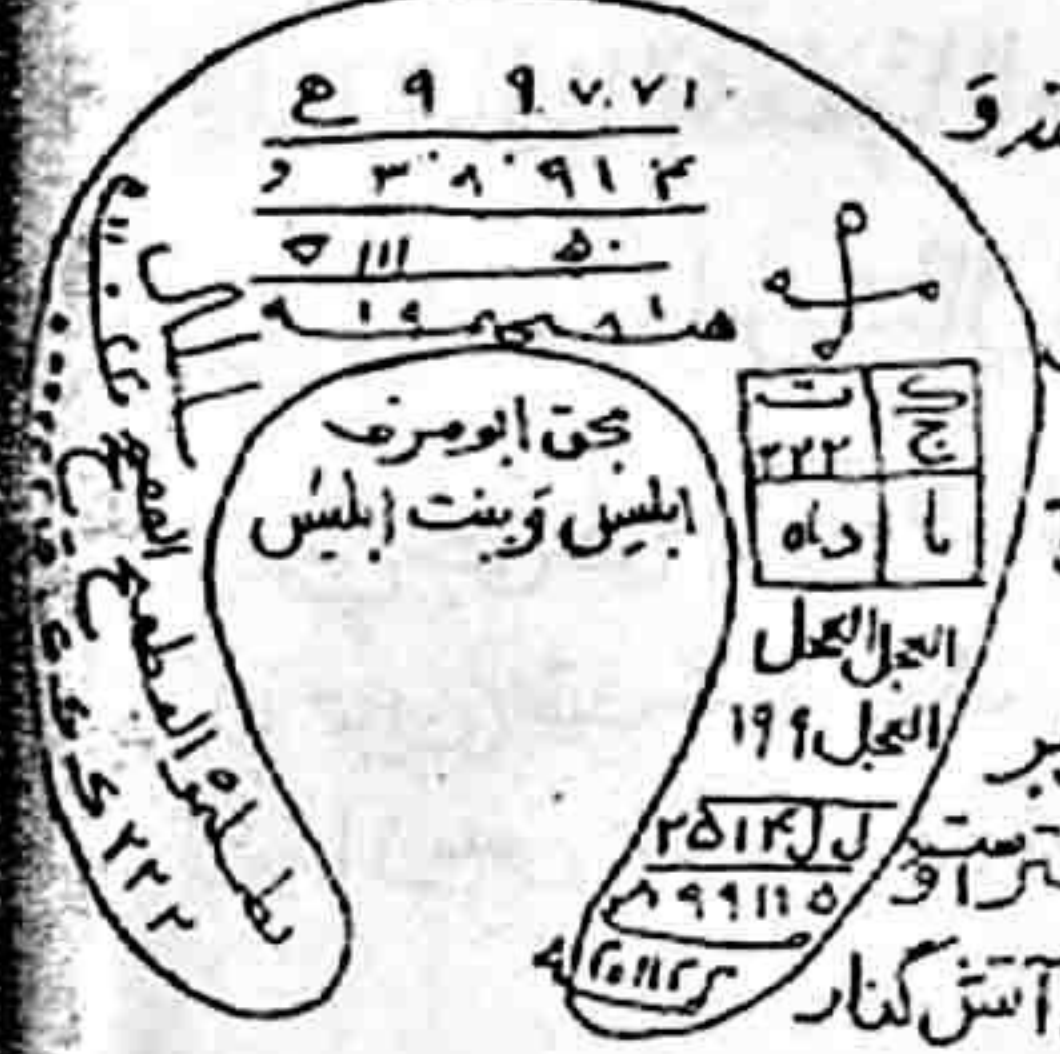
با هفت دانه فلفل و سه دانه میخک

و یک زره ریشه با نا آدم در آتش انداز

و یاروی میس کند در آتش کنار و اگر بر

چهار جوش کنده در آتش کنی بهتر است

یا بر سفال آب ندیده نوشته در آتش کنار

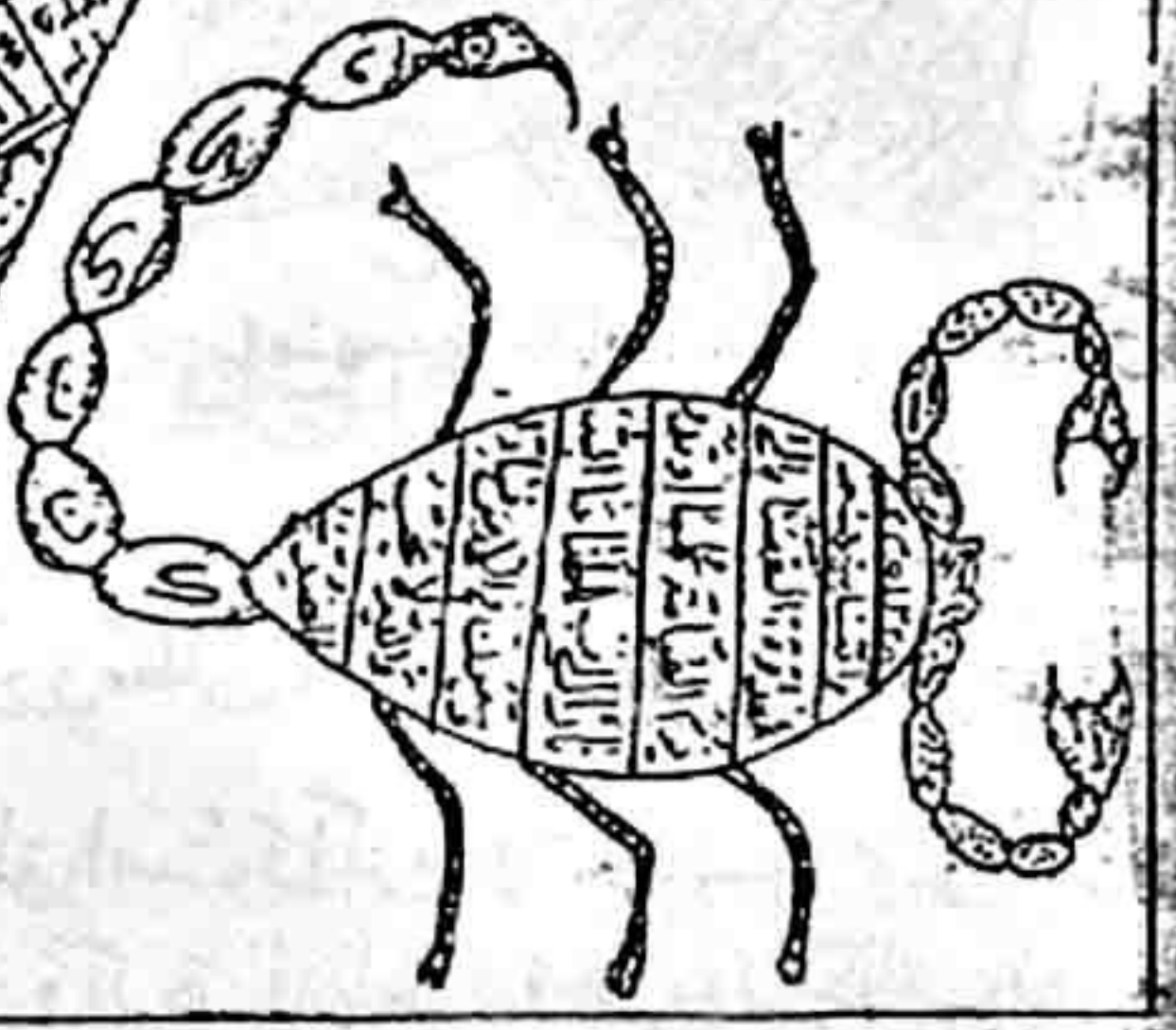


العداوة  
و البغضاء  
الانوار  
القبایمة

۱۸۸۷	۱۸۸۸	۱۸۸۹	۱۸۹۰
۱۸۹۱	۱۸۹۲	۱۸۹۳	۱۸۹۴
۱۸۹۵	۱۸۹۶	۱۸۹۷	۱۸۹۸
۱۸۹۹	۱۹۰۰	۱۹۰۱	۱۹۰۲

بحق ابوش لیوش

الفراق الفراق
۱۹۰۰ ۱۸۹۹ ۱۸۹۸ ۱۸۹۷ ۱۸۹۶ ۱۸۹۵ ۱۸۹۴ ۱۸۹۳ ۱۸۹۲ ۱۸۹۱ ۱۸۹۰
۱۸۸۷ ۱۸۸۸ ۱۸۸۹ ۱۸۹۰ ۱۸۹۱ ۱۸۹۲ ۱۸۹۳ ۱۸۹۴ ۱۸۹۵ ۱۸۹۶ ۱۸۹۷ ۱۸۹۸ ۱۸۹۹ ۱۹۰۰



سیاه کردن زنان هفتجوش کفن لباس زن پشم بز پر مرغ کافور مرکب نفت سیاه  
بوده حمام آب مرده قبر سنان قبر کشته یا شنیدی اذاز لرزه سوره مبارکه بسن  
بخواند



احضار و محبت اگر خواهی کسی را حاضر گردان که با توجهت پیدا

کند بنویس این شکر را

بر کاغذ عدد و یک را

زیر سنک گذار و یک را

در یاد بیاویز و یکی را در

آب روان مقابل قبله انداز

و اگر روی لوحی از مس

کنده شود و روی با منحنی

طالب آویخته شود مؤثر

است و اگر روی کاغذ آن



نوشته و یا موی سر مطلوب جو شانده شود اثر دارد و اگر در جامه

پچیده در باد اویزی مجرب است بجهت محبت روی کت

نوشته و در آتش انداز مجربست اللهم الله

سبحان الله و بحمده و الله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم العجل الساعة بجمعة محبت و مطيع مثلك

بنویس با کلاب بشوی و شربت کن و بمطلوب ده تا بخورد ابر

عجل الله فرجه و الله اعلم بالصواب

فصل در اخراج کنوز و حل رموز در معرفت کلمه لغوز و در یاد چند قلم

قلم اول که او را کمصلا نامند و او این است ک م ص لا ا و ح ط ل ه

د ر س ع بود حرف منقوش بجای خود بود

قلم دوم که او را خط شجر نامند ک ط ا ز ا این طرف خط نویسد

آن طرف خط بحساب حروف بعد ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل

م ن س ع ف ص ق ر ش ث خ ذ ض ظ غ ل

قلم سوم قلم جابرین حیان که از شیخ خود اخذ نموده اعنی جعفر الصادق علیه السلام

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل

م ن و ه لا ی قلم چهارم قلم برتاوق

قبطلی از جهت کنونی مصر مر موز است ادوید و زراعات و غیرها مفید است

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

الم که کا با ط ع ی ه و ح ک ه س

ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م

ن و ه و لا ی قلم پنجم ا ب

س ع و ه و لا ی قلم ششم ا ب

ک ل م ن و ه و لا ی قلم هفتم ا ب

ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش  
 ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و  
 قلم نهم اب ت ث ج ج خ د  
 ر ن س ش ص ض ط ظ ع غ ف  
 ق ك ل م ن و ط ظ ع غ ف  
 اب ج د ه و ز ح ط ع ك ل م ن  
 س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ز ض  
 ظ غ قلم نهم که هابیل وقابیل نوشتند اب  
 ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش  
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل  
 م ن و ط ظ ع غ ف ق ك ل  
 قلم نهم اب ت ث ج ج خ د  
 ر ن س ش ص ض ط ظ ع غ ف  
 ق ك ل م ن و ط ظ ع غ ف

ص ض ط ظ ع غ ف ق  
 ك ل م ن و ط ظ ع غ ف  
 قلم نهم اب ت ث ج ج خ د  
 ر ن س ش ص ض ط ظ ع غ ف  
 ق ك ل م ن و ط ظ ع غ ف  
 اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش  
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل  
 م ن و ط ظ ع غ ف ق ك ل  
 قلم نهم اب ت ث ج ج خ د  
 ر ن س ش ص ض ط ظ ع غ ف  
 ق ك ل م ن و ط ظ ع غ ف  
 قلم سبز هم قلم جرجیس قبطی که قبطیان  
 اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش  
 ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل  
 م ن و ط ظ ع غ ف ق ك ل

و ه ل ای قلم چهاردهم اب ج د ه و ن ج د  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم پنجم ن ج د ه و ن ج د  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم ششم ن ج د ه و ن ج د  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم هفتم ن ج د ه و ن ج د

این است که او را بر من نامند و اغلب رموز کتاب خزان نراقی باین نام  
 که حرفی از حروف نهجی فوق نویسد و عدد رقوم ذیل نویسد حروف  
 علامت باشد از عدد کلمات ایجد رقوم علامت باشد از عدد حروف  
 ایجد و بعکس نیز توان نوشت و ایضا بسا باشد که هر دو یعنی هم  
 حروف و هم رقوم علامت از عدد حروف باشند قلم هفدهم

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم هجدهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم نوزدهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیستم

ک ل م ن و ه ل ای قلم نوزدهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیستم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و یکم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و دوم

ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و سوم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و چهارم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و پنجم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و ششم

ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و هفتم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و هشتم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و نهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و دهم

ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و یازدهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و دهم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و چهارم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و پنجم

ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و ششم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و هفتم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و هشتم  
 ک ل م ن و ه ل ای قلم بیست و نهم

قلم بنسبت چهارم  
 قلم بنسبت پنجم  
 قلم بنسبت ششم  
 قلم بنسبت هفتم  
 قلم بنسبت هشتم  
 قلم بنسبت نهم  
 قلم بنسبت دهم  
 قلم بنسبت یازدهم  
 قلم بنسبت دوازدهم  
 قلم بنسبت سیزدهم  
 قلم بنسبت چهاردهم  
 قلم بنسبت پانزدهم  
 قلم بنسبت شانزدهم  
 قلم بنسبت هجدهم  
 قلم بنسبت نوزدهم  
 قلم بنسبت بیستم

قلم بنسبت پنجم  
 قلم بنسبت ششم  
 قلم بنسبت هفتم  
 قلم بنسبت هشتم  
 قلم بنسبت نهم  
 قلم بنسبت دهم  
 قلم بنسبت یازدهم  
 قلم بنسبت دوازدهم  
 قلم بنسبت سیزدهم  
 قلم بنسبت چهاردهم  
 قلم بنسبت پانزدهم  
 قلم بنسبت شانزدهم  
 قلم بنسبت هجدهم  
 قلم بنسبت نوزدهم  
 قلم بنسبت بیستم

**قلم سی و چهارم** اب ت ث ج ح خ د ز س  
 ل م ن و ه ی قلم سی و پنجم که او را قلم ششم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و ششم که او را سببی گویند اب ت ث ج ح  
 د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و هفتم که او را قلم هفتم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و هشتم که او مشهور بلسان عربی است  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و نهم که او را قلم نهم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و دهم که او را قلم دهم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و یازدهم که او را قلم یازدهم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و بیستم که او را قلم بیستم

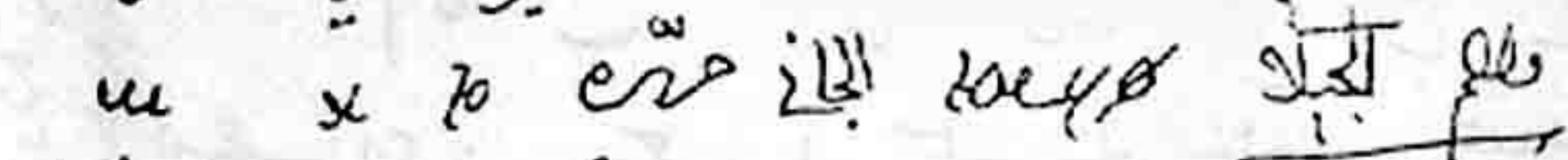
**قلم سی و نهم** که او را قلم یونانی است اب ت ث ج ح خ د  
 ل م ن و ه ی قلم سی و دهم که او را قلم دهم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و یازدهم که او را قلم یازدهم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و بیستم که او را قلم بیستم  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و یکم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و دوم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و سوم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و چهارم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و پنجم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و ششم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و هفتم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و هشتم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و نهم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و دهم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و یازدهم که  
 اب ت ث ج ح خ د ز س ل م ن و ه ی قلم سی و سی و بیستم که

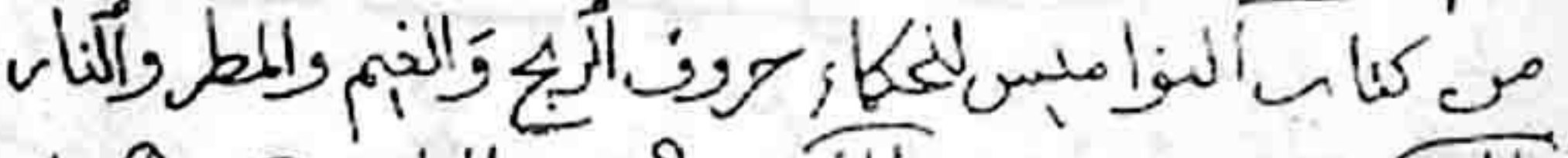
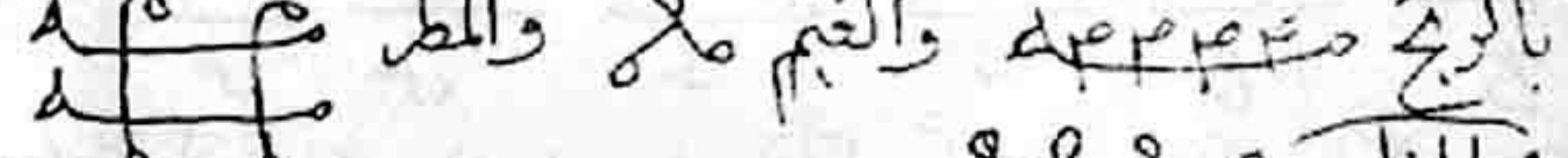
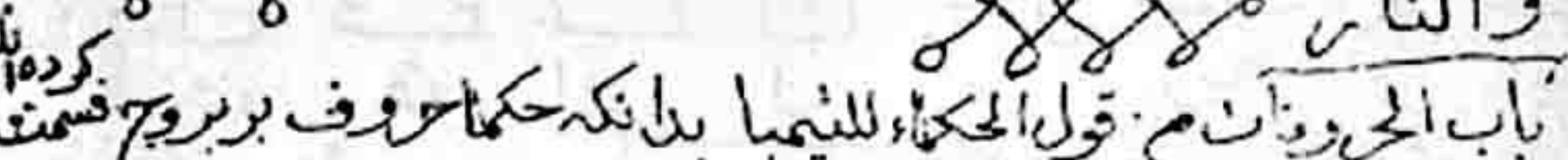
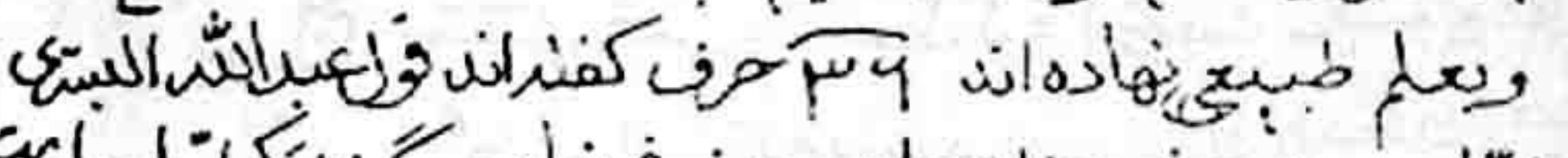




خط آرس و صورت او ایست که بعکس نوی کنند بر فسطح

ی	د	ک	و	ب	ا
ع	ج	ح	ل	ه	ز
ل	ف	ای	ا	ت	ث
ه	ح	ط	ا	ر	ک
س	س	پا	او	ن	م
ع	م	ه	ه	ه	م
ج	ت	خ	ف	او	ط
ع	ک	ح	ف	ی	م

و علم الحکماء  الجان حتمه

من کتاب النوامیس للحکماء حروف الريح والغيم والمطر والنار  
 بالريح  والغيم  والمطر   
 والنار 

باب الحروف ذات من قول الحکماء للثیما بدانکه حکما حروف بر بروج قسمت کرده اند  
 و يعلم طبیعی نهاده اند ۶ اسم حرف گفتند و از عبد الله البسری  
 اما حروف بر بروج مخارج از حروف فی نهاده و گفتند که اول و اول  
 فاما ضم حروف مخارج هم و چندین قسمتی کرده اند سهل و م ب  
 نور ب ر ق ج و ن ا ذ ل ق ف ی س ر ط ان ص ط ث استند  
 دست سنبله ز ط ان م بران د ل ی ع ق ر ب ض س ش ح ف و ک  
 ق ج ک ق خ غ ذ ل و ج ع ه حوت اده و علم

- ۱- قلم حضرت آدم سرای ۲ - قلم حضرت شیت
- صولیانیا ۳ - قلم حضرت ادریس یوبا آریا ۴
- قلم حضرت نوح خزرمیا ۵ - قلم حضرت ابراهیم
- برهمیا ۶ - قلم حضرت اسحاق یونانیا ۷ - قلم
- حضرت موسی عبرانیا ۸ - قلم حضرت داود
- عز یویا ۹ - قلم حضرت سلمان کاهنیا ۱۰ -
- قلم حضرت غیبی رومیا ۱۱ - قلم حضرت شمعون
- اغرنجیا ۱۲ - قلم حضرت جرجیس قبطیا ۱۳ -
- قلم حضرت دانیال نبی ارمنیا ۱۴ - قلم حضرت
- نبینا بشمده صلی الله علیه و اله کونیا کوفی







وفاخته بر اسلام فانه از امراض امن از آفات برات از تهمت مردم تبت و ده ستم خوده ريه دفع ده درجه در  
 جنت تضا عا جا مغفرت گناهان صفای قلب بیا و آمدن فراموش شده جبرانات از نوافل و سعت روزی  
 انای فرض رفتن و سواست مغفرت گناه مادر و پدر امن از دزدان و درندگان زیادت نور بر پل طحیم  
 جسد صلی بر ناز قبول دعا و جوب شفاعت سید الانبیا رسیدن نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم قبل از  
 دیگران در قیامت نجات از هول رنج غلاص از جهالت نیاد از اعظم فواید و اهم مقاصد مذکور شدن  
 اسم در دو فرستنده پیش آن سرور کائنات و فرستادن آن غلامه موجودات در روغن الاخضر از شیخی  
 زین الدین علی مردیست که با تجربه گویم در سرکاری که توسل بحضرت رسالت نموده درود بسیار فرستاد و در  
 ساخته و پرداخته شد از آن جمله درود شریف سید احمد بدوی برای قضای حاجت و کشف غمات عجیب  
 غریب است و مجرب این فقیر حکایت است از محمد مسلمانان رحمة الله علیه که ختم کردم دلایل الخیرات را یک  
 هزار و یک صد مرتبه بعد از آن مشرف شدم از زیارت شریف رسول الله صلی الله علیه و سلم العالم رب العالمین  
 مرا که ای محمد مسلمانان که گاهی در دو فرستادی بر ما عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و سلم ختم کردم دلایل الخیرات را  
 را یک هزار و یک صد مرتبه پس آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند که اگر می بود قرأت تو مثل احمدی بدوی  
 یک مرتبه دوستی بود پیش من از هزار و صد مرتبه و قضای حاجات میکرد ترا خداوند تعالی بدولت آن  
 در دو جهان چون کسی خواهد که برای قضای حاجات صلوة مبرکه مذکور را وظیفه سازد باید که در ایام  
 بیض بعد مغرب تا نماز خفتن بر مصلی شنید صلوة مذکوره را بلا تعدد و بلا وقف بخواند تا سه روز هم  
 طریق بعون الله تعالی برود هم گردد و هو بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل وسلم و بارک و علی  
 سیدنا و مولانا محمد بن عبد الله و آله الطیبین الطاهرین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین  
 و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین و اصحابه الطیبین  
 صاحب القبضة الاصلية و البغية السنية و الرتبة العلية من الدرجة النبوية تحت  
 لوانه نعمته و الیه وصل و سلم و بارک و علی علی الیه عدما خلقت مررت و امتی الی  
 کوم تبعتم من اغنیت و سلمت سلیمان کثیرا و الحمد لله رب العالمین ایضا برای کشف معارف  
 و استنار باطن در و شریف قوم الزل را وقت خفتن بر خوابگاه پاک با وضو قبل رو نشسته بخواند و کسی  
 سخن گوید مع الخضوع متوجه جناب مصطفوی باشد این است صلی الله علیه و آله و سلم یا محمد خذ بین  
 ایضا چون کسی در همی گرفتار آید و چاره کار نداند در و شریف مرقوم الذیل بازده روز بعد نماز صبح با  
 یکصد مرتبه و پنج بار بخواند بفضل تعالی مقصود بر آورده گردد این است اللهم صل وسلم و بارک و علی سیدنا

و مولانا محمد مظهر الجلال و الجمال منوات الذوات و الصفات مخزن المشاهدات بموسم الجهادت  
 الی باب الذباب بعد و معلومات لك ایضا از میله صلوة شریف است امور دینی و دنیوی مفایست رسد  
 چنانچه این فقیر از وسیله این درود شریف بدینجهت میباید که در ایام بیض روز در و شریف شریف را  
 وظیفه سازد و برکت این استغفار نماید باید که در ایام بیض روز در و شریف شریف را  
 کرده دو گانه نفل گذارد و توای آن جناب مصطفوی گذارد بعد صلوة شریف نهایت خضوع و شوق  
 که از تسبیح بخواند همچنین هر روز صلوة مذکور این است اللهم صل وسلم و بارک و علی سیدنا و مولانا محمد و علی  
 الی سیدنا و مولانا محمد صلوة شریفنا ایما من جمیع الاهیة فالاقاب و تقضی لنا جمیع الخیرات  
 حاجات و تطهرنا بها من جمیع السوءات و ترفعنا بعلی عندك اعلى الدرجات و یبلغنا بها أعلى المقامات  
 یجیب الخیرات فی الحاجات و یقربنا الیك عن کل شیء قدیر اگر هر روز بعد نماز شب گانه صد بار در و سازد  
 یا بدینجهت یا بدو در امور دینی و دنیوی و آخرت مامی کار او شوند صلی الله علیه و سلم فایده دوم در کیفیت  
 بسم الله و فضیلت آن و خواص آن فرمود نبی صلی الله علیه و سلم که کلید قرآن بسم الله گفتن است و در حدیث  
 دیگر نیز وارد شده است که کلید قرآن نام خداست گفتن است یعنی بسم الله گفتن روی عن ابن عباس  
 عن النبی صلی الله علیه و سلم انه قال فی العلم اذا قال للی صلی الله علیه و سلم اللهم الرحمن الرحیم کتب الله  
 بظلمة للصبی براءة لا یؤنبه و براءة لله للعلم من النار چون استاد بگوید کودکی را که بگوید اللهم الرحمن الرحیم  
 کودک بگوید بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی فرشتگان را فرماید که برای بنویسد که این کودک با تشرف کار  
 باشد و نیز استاد دو بار و پدر و مادر یکبار بسم الله گفتن چهار کس از روح خلاص شوند و بعد از آن  
 این عباس گوید هر که خواهد که از نوزده فرشته عذاب برود و روح موکل اند نجات یابد بگوید بسم الله الرحمن  
 نوزده حرف است با اخلاص تمام تا خلاص شود در روایت دیگر آمده که اول چیزی که قلم در لوح محفوظ  
 نوشته بسم الله الرحمن الرحیم بود و اول چیزی که بادم علیه السلام آمد بسم الله بود و بسم الله الرحمن الرحیم  
 امان اهل آسمان است و اهل زمین کفر خواناست یعنی برکت او بنده مومن از پل صراط سلامت  
 بگذرد بسم الله الرحمن الرحیم قبول حق است مرمودان را از جابر بن عبد الله انصاری روایت است  
 که چون بسم الله فرود آمد بادم علیه السلام اهل آسمان دور شدند و طرف مشرق رفتند و ابدان  
 مخالف بود ساکت شدند و در ایام روان شدند مستوران سعاد و فرمانبردار شدند و دیوان را از آسمان  
 دور کردند حضرت پروردگار سوگند یاد کرد و بعزت و جلال من که بر هر بیماری تمام مرا با اخلاص بگوید شفا دهد  
 و هر چیز نام مرا بگوید با اخلاص برکت دهم همان چیز هر که بسم الله را با اخلاص بگوید در آید در شرف اهل آسمان

گفته اند که بسم الله که قدسیه است از کز بهایت و خلعت ربوبیت است از ضلع ولایت و وصل است و قربت بر اهل کتاب و رحمت خاص است مرابح حقایق را در وایت کرده شده است از امام جعفر صادق زنی الله تعالی عنده همه کتب و بی مورد است در قرآن و بمهر قرآن موع است در فاتحه و در فاتحه موع است بسم الله و بسم الله و بسم الله است در ای بر لبه ای نماند که آنکه در بیخون یعنی بر چه بودین بود چه باشدین باشدین است بشارت بود بابتیکه قال الله بیخون یعنی محیط بالضم یافت روایت کرده شده است از رسول صلی الله علیه و سلم که در بهشت چهار دروازه باشد در یامی از شریک یامی از اب در یامی از عمر بهشتی و ازین چهار دروازه چهار باروان میشود در وایت کرده شده است که بر ساق عرش نوشته شده بسم الله الرحمن الرحیم چشمه آب زمزم بسم چشمه شیز از با الله چشمه نجر از میم الرحمن و چشمه غسل از میم الرحیم نقل کرده شده است از تفسیر بسم الله الرحمن آغاز میکنم بنام خدای نیک جهان و نیک بخشنده بالویش شرافت عارفان بهر بار میش روزی یافتند علیسان و به بخشش نجات یافتند گناهمگان آغاز کتاب حق سبحانه و تعالی با این اسم قسم است از بهر آنکه بنده لاسه مالت است این جهان و گور آن جهان چون معبودی الله است درین جهان کار سازوی او است و رحمن هر جان بروی در گور است و جسم بخشاینده در آن جهان و آنز زنده گناه وی اوست بدیت نام او را بگور خواهم برده زانو او را بر جان من است بپا قلا از تفسیر عقوبت بحر نمی و حضرت غوث الاعظم رضی الله تعالی عنده فرموده اند که بسم الله از عارفان مندر کن است از پروردگار آتی امام زاید جدی روایت کرده که هرگز در عمر خود هفت صد بار بسم الله بخواند حق تعالی او را از آتش دوزخ آزاد کند و در مجموع خوانی آورده کرد و بعد از این مومنین علی که ما شدیم هر میان سلی راه جنگ گرفتند عقبه بها کردند تا فرمود روغن گرم کرده او را انداختند بسم الله الرحمن گفت روغن سرد شد و او سلامت ماند حق سبحانه این اسم عظم از بسیار مومنین و پیغمبر را عنایت کرده نمی آنان لوح علی السلام را که سنگام سواری کشتی فرمود و بسم الله بخواند و مومنانها دوم حضرت سیالان گفت انکم من سلیمان و اینه بسم الله الرحمن الرحیم - ایضا من خواهم بهنگام بخواند بسم الله و از ده هزار بار و آخر هر هزاره و گانه بگذارد و در و بخواند بر نبی حاجت طلبید از خدای تعالی باز رجوع بخواند بسم الله آرد چون وقتیکه هزاره دیگر تمام کند آنگاه مثل سابق دو گانه ادا کند و در و بخواند همچنین تا اتمام عدد مذکور پس هر که چنین کند قضای خواج گردان و اشوگر بنویسد بسم الله آخر شش صد و بیست و پنج مرتبه و با خود دارد و عطا فرماید حق تعالی او را بهیست عظیم که کسی نتواند بر رسیدن ضرب او را باذن الله و دیگر این نقش بسم الله را هر که بشک و سفران و کلاب نوشته

نزد خود ببارد هرگز محتاج کسی نشود اگر تا چهل روز بهفت صد و هشتاد و شش بار نوشته هاب جهت ساختن دریا اندازد همه مشکلات آسان گردد و هر مردیکه در دل آرد بر آید و عزیز دلها گردد اینست نقش معظم و مکرم و دیگر این نقش را نوشته بر بازو در تعویذ

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

انداخته بر بند تمام خلق جهان بروی هر بار گردد و بزرگی او بسیار میداند از برکت این نقش -

۴۸۶

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۴	۲۲	۲۴
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۹	۳۰

فاندره مسموم در سوره الشیخ فضیلت سوره یسین و برکات او شهر و التوراند و فوائد آن بسیار و طبعه عمل آن بر سه وجه است طریق اول از نکریت زکوة

خالصا الله تبرک جلالی جمالی در ساعت سجده بخواند روز دوم همالوقت دو بار هر روز یکبار بر عدد سابق زیاده کرده باشد تا چهل و یکبار رسانیده باز تحقیق یکبار نماید آنکه روز ششم نوبت یکت خواهد رسید بعد هر روز یکبار و طیفه دارد و بلا عذر ناغ کند عامل خواهد شد من بعد عند الحاجة بهین طور بخواند طریق دوم آنکه هر گاه برای هم خود یا دیگری خواندن منظور باشد در کشتی شت یکبار یاد رود یا زده گانه اول و آخر بخواند انشاء الله تعالی تیر بهدف بر او خواهد رسید در وقت نوبت احتیاج گوشت یا بی بیازد پس و غیره واجب است و در اشائی خواندن کلام کند و کار دیگر سوای فرض و وتر متوجه نشود مگر بضرورت بول و براز و وضو و غیره اگر بر خیزد مضائقه میت حتی الامکان در جلد واحد بخواند در مکان خلوتی بر لب آب اگر دریا باشد پشت بر کب کرده بجای دعوتش نظر دارد و در اشائی قرائت حنوی استحضرت صلی الله علیه و سلم پیش نظر دارد حتی الامکان در جلد واحد بخواند بفضل الله تعالی باطن و قوت ظاهر نیز بدولت این عمل میسر خواهد آمد انشاء الله تعالی استحضرت بذات خود کفیل حوائج مالمش خواهد بود و طریق سوم بدینطور است که سوره را شروع نموده تا مبین اول بخواند چون بر مین اهل برسد با دوم از اول شروع نموده تا مبین دوم بخواند و سوم بار از اول شروع نموده باید که هر گاه خوانده تا مبین ثالث برساند باز شروع کرده تا مبین ثالث و علی هذا القیاس تا مبین پنجم تکرار نموده ختم کند دوم کردن سوره یسین



وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدًا اسْتَلْكَ أَنْ تُسَجِّرَ فِي حُدَا امْ هَذَا السُّورَةَ الشَّرِيفَةَ أَنْ يَجِيْبُوْنِي رَائِي مَا  
 أُرِيدُكَ وَبِكَ فَعَالَ يَكُ يُرِيدُ بَعْدَهُ ابْنُ قَسْمٍ نَحْوَانِدْ أَقَمْتُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَكْمُ هَذَا السُّورَةَ  
 الشَّرِيفَةَ أَنْ يَجِيْبُوْنِي مَا تَعْتَدُوْنَ فِيهِ إِلَّا مَا تَرْغَبُونَ مِنَ الْإِجَابَةِ بِدَعْوَتِي وَبِطَاعَتِي فَاسْرِعُوا  
 وَأَحْضِرُوا وَسَهِّرُوا أَطْبَعُوا بِحَقِّ قَوْلِهِ تَعَالَى أَدْعُوْنِي اسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِي يَسْتَكْبِرُ عَنْ عَنِّي  
 عِبَادَتِي سَيَدْخُلُ مِنْ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ لَمَّا أَنْ وَقْتُ تَمَوْكُلٍ سَيَدَاخِرُونَ لَمَّا أَنْ وَقْتُ تَمَوْكُلٍ سَيَدَاخِرُونَ لَمَّا أَنْ  
 أَقَابَ رُؤْسُنَ بَاشِرٍ وَبِشْرٍ صَاحِبِ دَعْوَتِ أَمْرَةٍ أَسْلَمَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ اسْتَجَابَتْ لَكَ  
 وَخَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 وَتَعْظِيمِ وَإِطَاعَتِ لَيْسَ أَنْ تَكُلَانَ خَدَمَتَكَ وَفَرَانِ بِرِصَابِ دَعْوَتِ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 بَلْوَيْدِكَ وَبِشْرٍ صَاحِبِ دَعْوَتِ أَمْرَةٍ أَسْلَمَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ اسْتَجَابَتْ لَكَ وَخَوَّاهُنَّ  
 بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 أَدْبِيَّةَ غَسَلِ كَرْدَةٍ تَوْبِ طَاهِرٍ بِمِشْرِ وَوَقْتُ طُلُوعِ أَقْبَابِ بَكُورِ تَانِ بِرُودِ سُوْرَةِ الْاِخْلَاصِ  
 بَحْوَانَ وَتَوَابِ أَنْ بِرِوَاغِ عَجِيْبِ مُسْلِمَانَ بِرِصَابِ دَعْوَتِ بَلْوَيْدِكَ قَبُولِ كَرْدِمْ لَعْدَانِ بَلْوَيْدِكَ  
 كَرْدِمْ بِيَانِ مَا دَشْمَانِ بِلَايِ وَبِدُو خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 بِشْرٍ لَوْ حَاضِرِمْ كَارِمْ بِيَانِ اسْتِ كَرْتَادِ رِيكِ لِحْظِ بِمَقَامِ كَرْمِ طَيْبِ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 اذْهَانَ سَوَكِمْ بِبَلْوَيْدِكَ كَرْمِ مِنْ عَبْدِ الصَّمَدِ اسْتِ مِنْ بَدِمْ تَوْ حَاضِرِمْ تَرَا لَعْلَالِ رُوْزِي خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 وَكِيْمَا وَبِشْرٍ صَاحِبِ دَعْوَتِ أَمْرَةٍ أَسْلَمَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ اسْتَجَابَتْ لَكَ وَخَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ  
 عِلْمِ تَاهِرِمْ وَبِشْرٍ صَاحِبِ دَعْوَتِ أَمْرَةٍ أَسْلَمَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ اسْتَجَابَتْ لَكَ وَخَوَّاهُنَّ  
 خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ خَوَّاهُنَّ بِسَيِّئَةٍ

۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸

فائدة ششم در فضیلت دعا از هفتاد الحقایق باید که مؤمن  
 هیچ دست ترک نگیرد و او را دعا کردن بازماند دعا در نفس خود عبادت  
 است و چنانکه در خبر است الدعاء مع العبادة هر که چهار چیز  
 بازگیرد چهار چیز از وی بازگردد هر که زکوة بازگیرد خداوند  
 تعالی آنکه داشت مال از وی بازگیرد و هر که صدقه بازگیرد دعاقت تن  
 از وی بازگیرد و هر که نماز از وی گرفت دعاقت تن از وی بازگیرد و هر که روزه  
 از وی بازگیرد در روزی که دعا از وی گرفت دعاقت تن از وی بازگیرد و هر که  
 در نماز دعا از وی گرفت دعاقت تن از وی بازگیرد و هر که در نماز دعا از وی گرفت  
 دعاقت تن از وی بازگیرد و هر که در نماز دعا از وی گرفت دعاقت تن از وی بازگیرد

آنکه می شنود در اجراء بر شریکند و اساز و شاگرد در کفین و شنیدن در اجراء بر شریکند و شاگرد در کفین  
 علیه السلام فرمود هر که دعا کند یعنی از خدای تعالی نخواهد ولی نیازی کند خدای تعالی او را در حق و اعدا  
 دعا کننده بسیاری اجابت عا بنیاشد از هر چیز بازماند یکی آنکه زاری و تضرع کاوی کند بخواند و در تراوی  
 اعمال نهند و ثواب آن را بدو دیگر آنکه مستجاب نشود و باز در اجابت را میگوید هر که در وی را بسیار بگوید  
 آخر باز گفتند سوم بدعا کردن شرمش زیادت شود و معصیت نکند زیرا که از طبع نیکوست شرمش آید که در وی علمی  
 شود و بدانکه حق سبحان تعالی بدعا کردن توفیق ندهد تا سخت با حاجت تقدیر کرده باشد و توفیق تو بیند  
 تا سخت پذیرفت تو به تقدیر کرده باشد و در دعا کند و دل عا حاضر نباشد پس دعا کردن بهترین است  
 مردی را از ترک ز تفریح یعنی و غیر علیه السلام فرمود هر که شکر روزی کرده شود او را محروم نکند از زیادت و هر  
 که توبه روزی کرده شود او را محروم نکند از قبول توبه و هر که استغفار روزی کرده شود او را محروم نکند از تضرع  
 هر که دعا روزی کرده شود او را محروم نکند از اجابت فائده هفتم در آداب الدعاء بنده باید که وقت  
 دعا هر گناهی که کرده باشد پیش خاطر نیارد و هیچ طاعتی زیرا که اگر طاعت گمیش دل آرد آن عجب باشد و دعا  
 مستجاب نباشد اگر معصیت خاطر آرد در ایقان دعا سستی آید در وقت دعا نظر خاص بر عمت باید است  
 و موقن بود البته این دعا مستجاب است انشاء الله تعالی از هفتاد الحقایق رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون  
 سوال کنید از حق تعالی پس نخواهید بگفتای هر دو دست و محو کنید به پشت دستها و چون فارغ شوید از دعا  
 هر دو دست بر روی فرو آید و همان آداب عا اینست چون دست بدعا برداشته باشی در آن زمان هیچ  
 و طاعت نگری و در دل بیهوده نیندیشی و دست بازی بختی و عا می دیگر نظر کنی چشم ز برداری و هر دو دست  
 بر زمین کنی یا آرنج و او از زمین کنی و آواز دست داری و آواز دست ناداری کنی که وقت دعا آواز بلند بر دوشن  
 است و در وقت دعا ملاحظ کنی که خداوند تعالی آنکه بسیار دعا دوست دارد و این در دعا بگوید الهی آن  
 نیز از خواهم مراد دعا و عاقبت در رضای خود زیرا که نعمتی تویی اگر آن عاقبت نباشد ملا است اگر عاقبت  
 باشد که رضای حق تعالی نباشد آن نعمت عاقبت نیز بلا است بسیاری فائده هشتم در شرط قبولیت عا بدانکه  
 اجابت دعوت دیگر است و قضای حاجت دیگر اجابت دعوت این است اگر بگوید بنده حق بگوید لیساک  
 عبد یعنی فی الوقت داعی از جواب حق شرف گردد و قضای حاجت دادن مراد است این بعد حق  
 باشد یا در آخرت و یا خیر و درین نباشد زیرا که خدای تعالی صلاح بندگان بهتر میداند موقوف بر صلاح خود  
 آورده اند که ایله ایماد هم رحمت الله علیه در باز از همه میگردد شت خلق بروی جمع شدند و گفتند که خدای تعالی  
 در کتاب خود فرموده است ادعونی استجب لکم و ما دعایکم مستجاب می شود پس ایله ایماد هم گفت بدستیک ایله ایماد

شمارده است بده چینی اول می شناسید خدا را و ادا می کنید حق او دوم آنکه میخوانید کتاب  
 او را و عمل نمی کنید بر آن سوم آنکه دعوی میکنید محبت رسول خدا می راعی و حیل و ترک کرده  
 آید نهتهای او را چهارم دعوی میکنید عداوت شیطان را و با او موافقت میکنید پنجم دعوی میکنید محبت پشت  
 بلا و عمل نمی کنید بر آن ششم دعوی میکنید خوف آتش و دوزخ را درین کرده آید لقبهای خود را بر آن هفتم  
 اقرار میکنید موت را که حق است و ساخته نمی شوید بر آن هشتم مشغول شده آید بعبیه بکران و از عیب  
 خود یاد میکنید نهم مردم را غیبت میکنید خود را مشاهده نمیکند و هم فرین میکنند و گمان را و بدان انتباه و  
 اعتبار نیست شما را آورده اند که مردی از برای بدعا خواست فرزند مطلق صفت نکرد که چگونه فرزند خدای  
 تعالی فرزند غنث روزی کرد و آن مرد گفت که با رب من از تو فرزند می خواهم مرا فرزند غنث خدای آوازی شنید  
 که با سوال ترا اجابت کردیم تو از ما مطلق فرزند خواستی حضرت ابط و عاند استی شرط این بود که میگفتی که ما از تو  
 بده شایسته صلح ولی که اولاد او مبارک است ما شد چنانکه در باب علیه السلام خواست از عیب الصلوة هر که خواهد که  
 دعای او مستجاب باشد باید که در چیز نگه دارد یکی آنکه وقت دعا دل حاضر دارد دیگر لغت و کسوت را از او بی حلال سازد  
 تا دعا مستجاب شود مردی از صاحبی سوال کرد که چه کنم تا مستجاب دعا می من صاحب گفت لغت و حلال بخورد  
 لباس پاک بپوشد پس دعا کن تا که بینی اجابت را این مرد گفت درین وقت آن از کجا است صلح گفت برو  
 بر کناره آب پاک بگره بزن کن در آب برود از کجای بخورد حلال نوره آشی حلال پوشید با شوی بر این عمل بخورد هر چه  
 فایده هم در اوقات اجابت الدعوات است یعنی بعد از وقت ریت بلال در آن وقت فایده است نزد من است و در هر  
 روز و بعضی شبی از رمضان سوم وقت باریدن باران چهارم روز عرفة و شب عرفه پنجم ساعتی از شب شنبه  
 شب یا آخر شب یا صفا اول یا آخر ششم وقت رفتن ششم شب برات ششم شب عیدین نهم شب جمعه و روز  
 جمعه و ساعت مرجه او که گاه جلوس با هم است بر سینه فرزند از کفر و ضمه و مسح و ظاهر است که آن وقت خواهد  
 ارام است تا آیین یا رکعت اولی از سجده و قلبی مراد است نه لسانی و نیز و بعضی بعد از عصر یا مغرب  
 در هر وقت زوال هر روز یا زود هم اول شب رجب از دهم ماه رمضان ریزد هم بعد از آن بعد از اجابت  
 اذان چهارم وقت حضور دل است یا زود هم بعد از نوبت شازدهم در سجده و استنجاء دعای دل مراد است  
 بر مقدم عقب تلاوت قرآن نزدیک ختم سجد هر وقت جلوسه خطیبی رد هم بعد از ای خطبه بیستم در مجلس ذکر است  
 و یکم صبحگاه بیت و دوم رویت کعبه بیت و سوم نوشیدن آب زمزم بیت و چهارم وقت جنگ کافران  
 بیت و پنجم وقت حضور مرضی از مطالب رشیدی و درین موقع نیکو فرمود شیخ ذوالمعانی حضرت غلام  
 علی شاه صوفی دام ظلّه ای فرزند خواهمی که مستجاب دعوت شوی برای دعا کردن آن وقت حال کن

که تو در میان نباشی و بس فایده و هم در فوائد اسماء شریف از فوائد الفوائد این ده لطیفه اند لطیفه  
 اول بزرگ اسم است اما تا الفین است و برین است و حشین است و الملاق سبحین است و بهیون اینست  
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الرَّؤُوفُ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الْمَنَّانُ الْكَرِيمُ الْحَكِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَطِيفٌ  
 دوم آن معدن علوم جلوه است و بزرگتر اسم از مناجات است هر که مواظبت نمود بر این کلمات و کلمات  
 خداوند تعالی برای او هرگز کشته نگردد و تشریح عظیم است در آن و آن پنج اسم اند و آن اینست الْعَلِيمُ الْغَنِيُّ  
 الْمَكِينُ الْعَادِي الْعَلِيمُ الْغَنِيُّ لَطِيفٌ سَمِعَ بِرَأْيِ أَحْصَى غَلَّتْ مَحَبَّتُ وَرَفَعُ وَسْوَاسُ وَرَفَعُ الْمَازِ  
 امور عظام و در آن لغت عظیم است و در آن اسم عظیم مخزون است و آن هشت اسم را ندان آن اینست -  
 لِلَّهِ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْمَغْنِيُّ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ الْكَبِيرُ لَطِيفٌ جَاهِمٌ بِرَأْيِ يَأْتِ سَمِيَّتٌ وَجَبْرُوتٌ  
 است و در آن سمیت از اسم مکنونه و از خواص آنهاست تفریق جمع و جمع تفریق هر که مدام کند ذکر  
 آن و در کند خداوند تعالی از آن کس هرگز کشته نمیشود و صلح است در هر موردی و دنیاوی و دگر آن پیش  
 جبابره ملول نخواهد شد و در این تسبیح حیوان است خصوصاً آن نه اسم این اند الْعَلِيُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
 ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الشَّدِيدُ الْقَابِلُ لَطِيفٌ نَجْمٌ دَرِينٌ اسْمٌ عَظِيمٌ است چون دعا کرده  
 شود بدان مستجاب شود و سوال کرده شود عطا گردد و هر که بخواند آن را در انتصاف شب  
 عجب عیند و امن است از اعدا و از ان انکشاف اسرار علوی است و تسبیح کل عالم است آن ده اسم  
 این اند الْحَيُّ الْقَائِمُ الرَّبُّ الشَّهِيدُ الْحَيُّبُ الْعَالِمُ الْغَلْبُ الْبَارِي الْغَنِيُّ الْمَنَّانُ الْمُسَوِّدُ لَطِيفٌ شَرٌّ مِنْ  
 اعظم از کار است تا که آن صاحب کشف خواهد شد هر که در میان شهبها التزامش گیرد از عدم ظاهر می باطنی  
 نصیب وانی یابد و وسیله قرب حق تعالی و آن ده اسم این اند الْقَوَابِلُ الْبَاسِطُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْمَنَّانُ الرَّحِيمُ  
 الْقَبِيضُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 و غنای نفس انشراح صدر و در این ده اسم این اند الْقَبِيضُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 الْقَبِيضُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 مخاطبات ارواح طیبات شود و باعث قرب حق تعالی است و آن ده اسم این اند الْقَبِيضُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْمَنَّانُ الرَّحِيمُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 برای حصول مطالب جلیله و شریعت است سبب رزق را و اقبال و جوه است در ملاق و سبب  
 برکت کثرت است در کسب آن نه اسم این اند الْقَبِيضُ الْعَزِيزُ الرَّؤُوفُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ  
 اسْلَامًا لَمْ يَمُوتْ سَبْرٌ لَطِيفٌ هَمٌّ مِنْ اسْمِ الْعَالَمِيَّتِ لَيْنٌ اسْتِ حَفْظُ عِلْمٍ خَفِيٍّ وَ عَرَفَتْ اسْرَارَ غَيْبِ





اغلام من هفت هفت بار کافرون هفت بار آیه الکرسی هفت بار کلمه تمجید هفت بار درود برین صیغها اللهم صل  
 علی سیدنا محمد عبدک وحبیبک ورسولک الیه الی الی وعلی ال سیدنا محمد و  
 باریک وسلم هفت بار اللهم اغفر لجمع المومنین و المومنین و المسلمین و المسلمات  
 الاحیاء منهم و الاموات انک مجیب الدعوات و ترفع الدرجات یا قاضی الحاجات  
 یحییک یا ارحم الراحمین هفت بار اللهم یا رب اقل فی و لعمری علیا و اجلا فی الدین  
 و الدنیا و الاخرة ما انت له اهل ولا تفعل بنا یا مولنا ما نحن له اهل انک عفو و  
 جواد کریم ملک کریم یغفر و ترحیم صفت بار و وصیت کرد خضر علیه السلام به ابراهیم می گوید که  
 این را که می آید ازین بعد بدید کن این را برایت محمد صلی الله علیه و سلم پس فرستاد که است از ابراهیم می گوید که  
 شدم از ویست این وظیفه زر کوار از ویست نبی صلی الله علیه و سلم و داخل شد در شب و در خواب از فاطمات  
 آنجا نیکه نوشیدم شراب خوش که او شربت داد مرا نبی که شد علیه و سلم از مسیحات عشق و صبغ حلیم گویند که بعد  
 از آن ابراهیم می گوید تا چهار ماه در دنیا بسرقت آن مدت چیزی از طعام و شراب دنیا نخورد و سیراب بود از  
 قوا که شراب آن خواب سیراب گردید فی رحمة الله علیه قوا و فضاک سبعت عشاره عدد و شمار بیرون اند  
 هر که بخواند این لایح و شام و ترک نهد نصیب گردد و اصلاح و خیر دارین و بر کار باشد از آفات و دهانی  
 و رزق از غیب یابد و در راه او بماند و زود از دنیا نماند بنید قرارگاه خود رحمت باید که همه او عید را با  
 بسم الله بخواند فائده چهار و پنجم در نماز و از بر کردن قرآن و آن چیزیکه متعلق است به فکوت و برین  
 برای طالب العلم اگر کسی را که حفظ قرآن مطلوب باشد بایده که چهار رکعت نماز شب جمعه در نیم شب بدین  
 بگذارد و خداوند تعالی آسان فرماید حفظ قرآن بر او است ایت ذویت ان اصلی لله تعالی اربعم  
 رکعات صلوة حفظ القرآن متوجها الی جهة الکعبة الشریفة الله اکبر و قرات در رکعت  
 اول بعد فاتحه سوره یسین و در دوم بعد سوره فاتحه دخان و در سوم بعد فاتحه الم تنزیل کتاب یعنی  
 سوره یسین و در چهارم بعد فاتحه سوره الملک بعد از فراغ این دعا بخواند سبحان الله و الحمد لله و لا  
 اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی سیدنا محمد و  
 آله و زوج و ابناهم و موسی و عیسی ما بینهم من النبیین و المرسلین صلوة الله  
 و سلامه علیه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اغفر لی المؤمنین و المؤمنات  
 و المسلمین و المسلمات ربنا اغفر لنا و لایخواننا الذین سبقونا بالین و لا تجعل فی قلوبنا  
 غلا للذین آمنوا انک عدو و رحیم اللهم ارحمینی برک المعاصی لبد اما بعینتی

و ارحمینی ان اکتف بالایعینینی و ارض قنیتی حنن النظر فیها یرضیک عینی اللهم سبب یسح  
 السموات و الارض فوالجلال و الاکرام و العزة الیه لا تقدر ما اسئلت یا الله یا ربنا حملت  
 بجلالک و نور وجهک ان تلزم قلبی بحفظ کتابک كما علمتینی و ارض قنیتی ان اکتو علی  
 النور الیه یرضیک عینی اللهم سبب یسح السموات و الارض من ذلجلال و الاکرام و العزة الیه  
 لا تقدر ما اسئلت یا الله یا ربنا حملت بجلالک و نور وجهک ان تنور بکتابک بصیرتی و ان تطلق به  
 لسانی و ان تفرج به عن قلبی و ان تشرح به صدری و ان تقبل به بدنی فایق  
 لا یعیننی علی الحق غیرک و لا یؤتیه الا انت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم  
 صل علی سیدنا محمد و آله و زوج و ابناهم و موسی و عیسی ما بینهم من النبیین و المرسلین و  
 لمرسلین صلوة الله و سلامه علیه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین بهین ترتیب جمعه  
 یا نبی یا هفت جمعه این نماز که از او مریدان بگویند بر برای مهم و حافظه و علم بایده که با عین خود حساب بکند  
 عددش بر آورد هر روز وظیفه او دیکو باشد یعنی ایضا سینه آن تا فاعلین پیش از سبق هفت یا  
 سحر و اید بر هفت باره مان نوشته نوراند محراب است ایضا این آیت را بر طرف چینی نوشته بخواند باره از دوست  
 اگر سخن نمائند ان خلق الانسان علیه لیبان الشمس و القمر و محبتان ان علینا جمعة و قدر انه فاذا  
 قرأته فایسح قرآنه علیک لیبان یلک هو قرآن محمد فی لوح محفوظه و سبب انک فذات شمس اخرا و نور یلک  
 از کوه البقیع علیه بالتعب علی الانسان ما لم یصله ایضا و ایت است انما هو الیومین که برای ترقی علم برین  
 و عار و پیش از سبق سربار خوانده باشد نیست اللهم ارحمینی و شدیدی و اعذ فی من شکر نفسی و امر ذی  
 اجمع النبیین و حفظ للملائکة المعقین برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا انما نحن فی حق انون ما امام  
 بهین و طرف چینی نوشته باشد برت لیس شده بخواند چینی تا هفت روز کند بسیار زمین و دی که در محراب است  
 فائده پانز و هم و تدبیر قطع الطحال بایده که که فی غام که بر باشد گرفته به کار و شقی کوه و دیاره نماید و پیش را  
 راست و بجانب آسمان خوابانید همان یا رب منی در امر الطحال برابر داشته که در دوسری از محل طحال تجاوه نکند بعد  
 از آن عامل یکدست راست خود کار و گرفته و بر انگشت کلان و انگشت خور و دست چپ محل طحال را گرفته این نماز  
 مرقوم الذیل را بخواند بر آن یا رب منی که متصل به محل طحال است بدین قدر می که از محل طحال متجاوزه گردید  
 از بار بار و بر دیار تانی باز به انگشت کلان خود دست چپ محل طحال را گرفته و دعا را سه بار خواند بر آن  
 بدین قدر که فی زیاده گردیده از نماز بر در و گمانا از سطر لقی نکند محل طحال را گرفته و دعا را بخواند بر آن بدین  
 که در دست است انما الی که برین قرآن بخواند و در هر یک صبح و شب که دعا را بخواند بر آن بدین  
 از کتب کلامیه و در بعضی طاهر و نجس او را پس بخواند که در کتب کلامیه و در بعضی طاهر و نجس او را پس بخواند

بر تقدیر که فی زیادتی نماید از این برود بعد از آن تکلیفی بریده شده در مکان پاک صاف داشته گمیدار و تا که کبریا بینی  
 مشک گردد و حال نیز بفضله تعالی خشک خواهد گردید عاین است این سخن ممتحضرت امیر المؤمنین  
 ابن بکر بن الصدیق رضی الله تعالی عنه این سخن ممتحضرت امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رضی  
 تعالی عنه این سخن ممتحضرت امیر المؤمنین عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنه این سخن ممت  
 حضرت امیر المؤمنین زین العابدین رضی الله تعالی عنه باید که این عمل بر وجه نماید و عامل با وضو باشد  
 شام و هم در شامین مرض الیقان باید روزی یکشنبه بوقت طلوع آفتاب در این راه بر روی پای بر نشاند و بجا  
 بندد و طاس برنجی یا سنی عن کج قدر یک یا دو یا زیاد و طاس اندازد و قدری آب هم در آن بیاید و بعد عمل طاس  
 مذکور بر فرق سر مریض گذارند و قدری علف بزوردست راست خود گرفته در آن طاس گشته باشد سوره فاتحه  
 سه سوره سوره بار خواجه بر آن بد بعد جبهه طاس بر شسته و از سوی مریض گذارند و علف را در آن گشته سوره الم  
 شریف سه بار در روز بخواند بد بعد جبهه طاس را بر شست پای مریض گذارند و علف را در آن گشته دعای قنوت  
 اللهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِیْنُكَ اِنَّکَ اَعْلَمُ بِمَلْجِئِنا اَسْمِعْ بِسْمِ اللّٰهِ سُبْحَانَ مَنْ جَاءَهُ بَدْعٌ مِّنْ بَدْعٍ بَدْعٌ مِّنْ بَدْعٍ بَدْعٌ مِّنْ بَدْعٍ  
 در مریض به همین مثال بگردد بعد آن روغن و علف را بر زمین بنزد در آن اندازد و باید که عامل با وضو باشد و اگر کسی  
 اثر بر فرق مانده باشد و در روز یکشنبه همین عمل نماید تا اثر الله تعالی بالکل دفع خواهد شد فایده هر چه  
 خلاص شدن مجوس از قید باید که برای رهایی بندی این دعا را وظیفه سازد و انشاء الله تعالی در سریع  
 زمان خلاصی یا با اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَعِیْنُکَ یَا اللّٰهُ یَا مَنْ اِذَا احاطَ بِهَا الْعِبَادُ وَ کَثُرَتْ الْمِحْنُ الدَّاعِی  
 خافته لیسوا لیسوا و ایت عند النّاس من جبهتها با لطفک من بعض صنعک یا اللّٰهُ خیر جمیع ما  
 انا فیہ برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله و سلم ایضا مجرب است این دعا را وظیفه سازد و بفض  
 الله کشاده کارگردانست اللهم یا لطیف یا لطیف یا من وضع لطفه السموات و الارض  
 استک ان تطفی من خفی لطفک الخفی الخفی الخفی الذی اذ الطفت به الاحدین  
 خلقت کفی فاذا قلت و قولک الحق الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو العزیز الیضا  
 چون کسی مجوس گردد و بهیچ وجه صورت خلاصی پیدا نیاید باید که بدین وجه نقشه قبر خریف  
 حضرت پیر علی علیه السلام تیار ساخته و در برود و نه در آب تمام یک هزار بار صلی الله علیه  
 یا رسول الله بگوید مجرب است نقشه ایت نقشه قدر شریف آنحضرت ایت ایضا دور کت نماز و گانه  
 او کند بعد از آن یک هزار و بیست و دو بار این دعا بخواند یعنی یحییٰ الحسین فایحیه و ایت و حید  
 فیرج عترتی یا انا فیه ایضا هر روز این کلمات را بخواند تا غیبت استغیبتی یا غیبتی و یا نا حصر

الْمَلْئُومِیْنَ اَنْصُرْ فِیْ بَعْضِکَ الْیَضَاءِ کَلِمَاتٍ هَرُورِ یَکُ مِزَارُ وِجْهِ بَارِئِ بَلْدِ وِ دَخْلَ صِیْ یَا بَدِئِ  
 یَا بَدِئِ نِیْعِ الْجَنَائِبِ بِالْحَمِیْنِ یَا خَاصِصُ یَا مَخْلِصُ یَا خَلَّاصُ ایضا باید که هر روز یازده صد بار بخواند  
 ایت الله خلقنی من قید الشداید یحییٰ ممتسلطان بایزید ایضا این نقش را نوشته و

۴۸۶

۱۶	۱۰	۹	۳	۸۴۴
۴	۸۴۵	۱۴	۱۱	۵
		۸	۱	۶
۱۲	۶	۴	۵	۱۸
		۳	۸۴۶	
		۲	۹	۲
	۱۹	۱۳	۴	۱
۸	۴	۱۳	۵	۱۲

کلاه خود دارو نیست -  
 فایده بیشتر و هم در اسباب غناست  
 در جلاست هر که سنگ نماز با بداد و رقانه  
 گذارد فراخ گرداند خدای تعالی رزق را  
 بروی ایضا چه مردم خواهد که نازل شود  
 بروی رکت و فراخ گردد بروی روزی  
 چنانکه هیچ کس محتاج نگردد از این آیت بخواند

رَبَّنَا اَقْرِبْ عَلَیْنَا مَآبِدَ الْعِلْمِ اِنَّ الْعِلْمَ کَرَامَةُ الْاَلْسِنِ اِنَّمَا الْعِلْمُ بَعْدَ الْوَقْفِ بِرَبِّکَ  
 بخواند غنی گرداند خدای تعالی او را از فقر و روزی رساند او را به سعادت هر که آیت الکرسی بنویسد و بنهد  
 در حجره یا در خانه که سکونت دارد و رزق بروی فرخ شود که هیچ غنی ازین ایضا فرمود رسول الله صلی الله علیه  
 و سلم هر که هر روز صد بار بگوید اِنَّ اللّٰهَ الْمَلِکَ الْحَمِیْدَ اَمْرًا وَاَمَانًا باشد از روی یعنی از  
 آن درویشی که مضرت دین باشد و آن درویشی دل است نخورد با الله منها چنانکه توانگری دل سودمند است  
 درویشی دل زیانکار است و لسان آن حرم است و حرم آتش و وزخ را بماند و فرمود رسول الله  
 صلی الله علیه و سلم هر که میان سنت و فریضه نماز با بداد و همتا و بار این آیت بخواند غنی روزگار از روی دور گردد  
 و غنی گردد ایت و اِنَّ قَدْرَکَ وَ اَفْعَمَ اللّٰهُ لَاحْتِصُوْهُ هَلَاکَ اللّٰهُ لَقَدْ رَجِحْتُمُ الْیَضَاءَ لَعَلَّ اَسْتِ  
 روزی اعرابی بخدمت رسول آمد و از دست فقر بنالید رسول علیه السلام فرمود که بعد از هر فریضه یا باران  
 آنزکناه بخوان و بر روز جمعه ناخن باز کن اعرابی بچنان کرد چندان مال جمع شده که از کار آخرت ترسید  
 علیه السلام فرمود که ناخن بندان باز کن و با او من بامد روی پاک کن بچنان کرد فقیر گشت ایضا آورد  
 اند که قبضه گفت یا رسول الله من ضعیف و باینا شده ام و بخت دنیا گرفتار گشته ام و بچشم عمال خوار گردید  
 ام پس رسول علیه السلام سوگند یاد کرد که هر سنگ و کلخ بزاری میگردانند آنرا بچشم قبضه میگفت پس فرمود  
 رسول علیه السلام بر تو باد هر با بداد و شبگاه این دعا را بخوانی تا در روزی بر تو بختانید چون سال تمام  
 شد قبضه از همه مردمان بهتر شود هر آن بنده که بخواند تو اگر کرد و ایت سبحان الله و بحمده

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ  
 مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ أَيْضًا أَعْمَالُ غِنَا وَتَوَانُغِي لَيْسَتْ كَهَيْئَةِ نَازِحَاتٍ كُنَادِرٍ وَرُوزَةٍ بَيْنَ أَرْبَعٍ  
 وَعَلَى الْعِبَادِ بِرَحْمَةٍ وَبِحَمْدِ مُحَمَّدٍ وَتَسْبِيحِ وَاسْتِغْفَارِ كَرِيمٍ وَبِحَمْدِ مَالِ خُودِ بَخْرٍ وَكُلِّ بَخْرٍ  
 وَخِدْمَتِ مَادِرٍ وَرُكْنِ سُوْرَةٍ مَرْتَلٍ وَرُشْبِ رُوزِ بَخْرٍ وَرُشْبِ رَهْمَةِ بَخْرٍ وَرُشْبِ سُوْرَةٍ وَاقِعَةٍ  
 سُوْرَةٍ وَكَفَشِ زُرْجَانِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 مَارِ عَنَكِبُوتِ اَزْهَانِ دُورِ كُنَدِ وَبَارُوبِ سَجْدِ دُورِ كُنَدِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 بِمِشْرِ كَرَجَانِ نَهْدَارِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 عَرْمِ طَعَامِ زِيَادَةِ اَزْ سَمُولِ بِنُورِ عِلْمِ رَاكِلِ كُنَدِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 رَا عَادَتِ دَارِ اَكْرَجِ وَاسْتِ كَمَاحِ كُنَدِ سُوْلِ صَلِيٍّ عَلَيْهِ وَاسْلَمُ فَرُودِ كَرِجِ اَزْ سَمُولِ كَرِجِ اَزْ سَمُولِ  
 سِرْ كَرِجِ قَشُوْرِ نَاسْتِ اَزْ خَوَابِ مِشْرِ اَزْ مِشْرِ وَوَضُوْعِ رُوزِ مِشْرِ اَزْ مِشْرِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 بَاكِ نَازِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 دَرِ شَيْئَةٍ كَرِجِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 سِيْمِ صَلِيٍّ عَلَيْهِ وَاسْلَمُ فَرُودِ كَرِجِ اَزْ سَمُولِ كَرِجِ اَزْ سَمُولِ كَرِجِ اَزْ سَمُولِ  
 اَيْضًا دَرِ رَاغَتِ كَرِجِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 اَزْ نَاكِرُونَ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 كَرُونَ دَرِ نَازِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 بِيگَاهِ بَرِخَا سْتِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 يَكْتِ نَازِ دَرِ رَاغَتِ جَنَابَتِ چِيْزِي خُورُونَ مَگَرِ اَكْرَدِ دَسْتِ دَرِ اَنْ رَا بِيُوْرِي دَرِ اَسَاةِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 طَعَامِ رَا نَاسْتِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 رَا خُوَارِ اَشْتِنِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 دَرِ خُورُونَ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 خُورُونَ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 بُولِ كَرُونَ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 اَكْلِ وَبِيگِهْ بَرِ سَرِ اَزْ سَمُولِ مَادِرٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ

طعام بی آب خوردن و یا بجا ما سیاده پوشیدن و دستار رشته بستن عاق کردن فرزندان و شمار در شک  
 مکرورن و ایستاده شان کردن و شکسته شان داشتن و از مراض موی شمرگاه گرفتن و زیاد از چهل روز  
 مری نهانی داشتن و زنده پیش گذاشتن و شمرگاه دیدن و ناخن از کار بریدن یا از دندان دهنم خزینه  
 شکافتن و جامه برتن دوختن و خریدن نان و غله از گدایان و چراغ بدم کشتن و نگاه به بازار رفتن و نگاه  
 آهکن و تراشه قلم زریالی ریزه کردن و قلم گره نوشتن و از جرگان پیش رفتن و در سلام و سجده تلاوت  
 تأخیر کردن از منقذ الجحان فائده نسیتم در دعای ادای دین اگر کسی وام بسیار داشته باشد و  
 افلاس او را الم زده کند شیشه از آنکه خواب کند گوید اللَّهُمَّ وَرَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ  
 الْعَظِيمِ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ مُّشْتَرِكٍ التَّوَاتُبِ وَالْإِحْتِمَالِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ  
 ذِي شَرٍّ أَنْتَ اِخْتِذْتَ بِصَاحِبَتَيْهَا أَنْتَ الْاَوَّلُ مَعْلِيْنَ قَبْلَكَ شَيْئٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَنْتَسَّ فَوْقَكَ شَيْئٌ  
 وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَتْ دُونَكَ شَيْئٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ لَدَيْنِ اَغْنِيْهِ مِنَ الْفَقْرِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ  
 حَقَّهُمْ عِنْدَكَ عَظِيْمٌ اَيْضًا اُورِدْهُ اَنْدَكَ مَعَادِ اِنْ جَبْنَ وَرِجْدِ رُوزِ حَامِرِ نَشْرِ رَسُوْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 تَفْصِيْحِ عَالِ اَوْ فَرُودِ مَعَادِ عَزْمَةِ دَاوُدَ اَبِي رَسُوْلِ الشَّرْعِيِّ دَيْنِ بِيَارِ دَرِيْنِ بَرْدَمُ مِنْ اَسْتِ اَزْ تَرَسِ  
 اَنْ بِيروْنَ اَمْدَنْ نِيْمُوْا اَنْ رَسُوْلِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اَيْنِ اَيْتِ وَ اَيْنِ دَعَا فَرُودِ عَمِنْ قَرِيْبِ مَعَاوِزِ غَمِيْ شَدِ و عِلْمِ  
 اَمْرٍ اَزْ وَرُشْدِ دَرِ تَفْسِيْرِ مَعْنِيْ اَسْتِ اَكْرَامِ اَنْ بِنْدِهِ بَحُوْلِ كُوْهِيْ رُوزِ زَمِيْنِ اَبَشِدْ حَضْرَتِ اَبُوْ زِيْدِ كَارِ خِرَاةِ  
 كَرْمِ خُوْشِ دُوْرِ كَرِجِ اَنْ لِقِ اَللّٰهُمَّ مَلِكِ الْمَلِكِ تَابِعِيْ حِسَابِ دَعَا اَيْنِ اَسْتِ اَللّٰهُمَّ يَا فَارِيْحِ الْعَمَةِ  
 وَيَا كَاشِفِ الْغَمِّ وَيَا مُجِيْبِ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا اَرْحَمَ الرَّحْمٰنِ وَالْاٰخِرَةَ وَرَحْمَتُهَا تَعْظِيْمِ مِنْهَا  
 اَسْأَلُكَ وَتَمَجُّعٌ مِّنْ تَشَاءُ اَللّٰهُمَّ اَرْحَمِيْنَ رَحْمَتِ تَعْنِيْنِيْ عَنِ رَحْمَةٍ مِّنْ سِوَاكَ وَ اَسْأَلُكَ مِنَ الْفَقْرِ  
 وَالْعَيْلَةِ وَ اَقْضِ عَنِّيْ دِيْنِيْ بِكَرَمِكَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ هَمْ دَلِيْسَتْ كَرْمُودِ نِيْمِيْرِ صَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 مَرَا جِرِيْلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَمُوْحَتْ دُعَا بِيْتِ قَضَا دِيْنِ كَفْتِ هَرِ كَرِجِ اَدِيْنِيْ بَاشِدِ سِمْ وَمَعْنُوِيْ بَكْنِدِ حُوْنِ اَقْبَالِيْزِ  
 اَسْتُوْا لِمَذْرُوْعِ زُوَالِ شُوْدِ چِهَارِ كَعْتِ نَازِ كَبْدِ اُرُوْدِ رِجْدِيْ بَعَا زِ قَا تَمَا اَمْلَا صِ كِيَا رِطَا يَةِ الْكُرْسِيِّ كِيَا رِ  
 چُوْنِ سَلَامِ دِهْلَا يَتِ قَلِ اَللّٰهُمَّ تَابِعِيْ حِسَابِ وَ دَعَا يِ اَخْرِيْ اَنْ كَمَا اَلْبَسْتَهُ شَدِ اَسْتِ دَرِ سَجْدِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 وَ اِهْمَا يِ اَفَا دَا كَرْدِ عَجْرَبِ سَتِ اَيْضًا هَرِ كَرِجِ اَو اَمْرِ كَرُونَ اَوْ بَاشِدِ بَا يَدِ كَسُوْرَةِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 خَلْقِيْ دَرِ خَوَابِ شُوْنْدَا تَنگَاهِ دَرِ خَلُوْتِ سَبَا رِ دَرِ عَمَانِ خُوْدِ شَانِ كُنْدِ سَبَا رِ تَرِيْنِ دَعَا رَا بِيَكِ مَرْتَبَةِ بَخْرِ اَنْدَا زِ  
 بَرَكْتِ اَيْنِ دَعَا وَ اَسْتِ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ وَرُشْبِ رُوزِ سُوْرَةٍ  
 كَلْبًا وَ لَمْ يُوْلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهْ كَفُوْا اَحَدٌ وَ صَلَّى اللهُ عَلٰى خِيْرِ خَلْقِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِيْنَ





سہ بار بخواند سہ بار رو و فرستد و آیت **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا** قدر است ده بار بخواند سہ بار  
 آسمان بدین معنی گردد هرگز شکست نشود و عزیز باشد میان مردمان ایضا در حدیث آمده است که  
 مردی گفت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کہ اگر من صیبت می افتد در تن و مال در اہل دین و ولد رسول خدا صلوات  
 فرمود کہ ہر روز گوید بسم اللہ علی نفسی و مالی و اہلی و اعلی اللہم باریک لی فی قدرک و اقرب ما  
 حتی لا اجد تخفیل شیئی آخرتہ و لا تاخر شیئی بحلتہ ان مردی از خواندن این دعا حق تعالی او را  
 از ہمہ محنتها و مصیبتها مامون گردانید از وسواس بر پدید کاری او را فراموش گردانید ایضا ہر کہ میان  
 سنت و فریضہ نماز با نماز ہفتاد بار این آیت بخواند سہ روز کار از وی برگردد نیست و ان تعوذوا  
 ففوت اللہ لا تقصروا ہاتھات منہ لنعوذ بکرم ایضا آخر سورہ اذینت الذی جعل و یکبار بخواند نہ میت نکر  
 حق تعالی فرزندان او را از ملامت و از محنتها و محتاج شدن نگاہار و ایضا از کافی و کفایہ شعبی در خبر است  
 ہر کہ سنت نماز با نماز دعا بخواند در فراخ گرداند خدای تعالی رزق را بروی ایضا چون کسی خواہد کہ برکت  
 بروی فراخ گردد و در هیچ کس محتاج نگردد و این آیت بخواند **رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ مَا تَخِرُّهَا**  
 فرمود رسول صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ ہر روز صد بار **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بخواند سہ مرتبہ گوید مراد او امان باشد از  
 درویشی ایضا ہر کہ سہ روز کار باشد ہر روز بہر وقت کہ خواہد از اوقات خمر و خیر آن دو رکعت نماز کند و دو  
 بخواند در رکعت اول فاتحہ یکبار و سورہ کافرون سہ بار و در رکعت دوم فاتحہ یکبار و اخلاص سہ بار بعدہ  
 سہ سجدہ نہد و این دعا بخواند **يَا مَنْ يَدُكَ مَبْسُوطَةٌ كَيْفَ يَتَوَقَّعُ كَيْفَ يَشَاءُ اَلْبَسْطَ عَلَيْنَا بِفَعْلِكَ**  
**الْقَابِضَ يَا مَنْ لَيْسَ اَعْتَادُكَ غَايَةَ اِحْتِرَافٍ لَيْسَ لِلْفَقِيرِ نَهْيَاكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** ایضا  
 حدیث مرویست از رسول صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ مواظبت کند بخواندن این چہار سورہ سورہ واقعہ سورہ مزمل  
 سورہ وایل سورہ الم نشرہ این شود از فقر فائدہ ہست و سوم در استخارہ باید کہ بعد از نماز عشاء  
 دو رکعت دو گانہ بخواند در رکعت اول سورہ فاتحہ یکبار و سورہ وایل اخلاصی یکبار و در رکعت دوم بعد  
 فاتحہ سورہ قدر یکبار بخواند بعدہ بر سبطل ہر روز بقیہ نشیند و در و شریف بازوہ بار آیتہ الکرسی یکبار سورہ  
 کورسیت و یکبار خواندہ این دعا بخواند **اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَجِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَ اَسْتَعِيذُكَ بِقُدْرَتِكَ وَ اَسْتَجِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ**  
**وَ اَسْتَسْتَعِيذُكَ بِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ اِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ اَنْ لِي خَيْلًا اَوْ اَفْلَانًا اَوْ فُلَانًا اَوْ خَيْلًا اَوْ فُلَانًا اَوْ فُلَانًا اَوْ فُلَانًا**  
**فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاقِبَةِ اَمْرِي فَاجْعَلْ اَوْجَالَ قَدَرِي لِي وَ نِسْرَةَ لِي وَ اِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ اَنْ هَذِهِ**

سہ اگر کسی از طرف دیگر استخارہ کند بخواند فلان بن فلان نامش بخورد سہ منہ را این سہ بسوی  
 دسہ منوب گرداند ۱۲

**اَلَا تَدْرِي اَلِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاقِبَةِ اَمْرِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ اصْرِفْنِي عَنِّهِ وَ قَدْ لِي الْحَيْثُ**  
**كَانَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى اٰلِهِ وَ اصْحَابِهِ اَجْمَعِينَ** بعد  
 ازان بخواب رود و وقت خفتن بگوید سہ بار **بِسْمِكَ اللَّهُمَّ وَ شَعْتَ بِحَبِيبِي** باید کہ این عمل شب چہار  
 شبہ بخند اگر نشود شب پنجم اگر نشود شب دینہ ایضا ترکیب استخارہ تسبیح باید کہ با وضو بعد از نماز  
 کرده برین صلی اللہ علیہ وسلم دو از وہ بار در و شریف بخواند و بنام حضرت امام جعفر صادق **ع** فاتحہ بخواند  
 بدست راست تسبیح بگرداند از آنجا و **بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و لا تفعل کویاں بگرداند آخر خواندہ اگر با مسلم قفل  
 آید نیکو باشد و اگر بے لا تفعل آید بد است آنکار کند فائدہ ہست و چہارم در مناجات چون کسی  
 برین مناجات مواظبت دارد در اور سدا ز بس مجرب است و این مناجات برین صلی اللہ علیہ وسلم است  
 کہ بدین کلمات دعا کرده نیست **اَلْحَمْدُ لِحُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ**  
**مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا وَ حُجْرَتِهِ مِمَّا تَلَاهَا**  
 برای روشنی دل و کشف معارف بعد تجرد برین مناجات بدرگاہ باری التجا کند نیست یا الہی تبارک  
 عالم کو بے سبب پیدا کرد آسمان کو بے ستون کفر کیا تور سے پانی جاری کیا اور پھر سے ناد نکالا  
 عیسیٰ علیہ السلام کو بے باپ کے پیدا کیا اور آدم علیہ السلام کو بغیر مال باپ کے ظہور میں لایا اور سار  
 نبی امی محمد صلی اللہ علیہ وآلہ واصحابہ و بارک وسلم کو علم اولین و آخرین سے سرفراز فرمایا الہی اس  
 نبی امی کی برکت سے مجھ کو نور ایمان و عرفان و کمال عطا فرما اور نفس اور دل اور جان کو اپنے نور  
 احدیت و وحدت سے روشن کر آمین **بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** و صلی اللہ تعالیٰ علی خیر خلقہ محمد و آلہ واصحابہ  
 برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا ہر کہ برین آیات التجا کند بدرگاہ حمد و الجلال نور ابر در گردن بخواند شفا یابد  
**يَا مَنْ يَرَى مَا فِي الصُّمُوتِ وَيَسْمَعُ : اَنْتَ الْمُعَدُّ كُلِّ مَا يَتَوَقَّعُ : يَا مَنْ يَرَى حُجْرَتِي لِشِدَّةِ اَيْدِي كَلِّهَا :**  
**يَا مَنْ اَلَيْهِ الْمُشْتَكَى وَ الْمُعْزَى : يَا مَنْ خَزَائِنُ مُلْكِي فِي قَوْلِ كَيْنَ : اَمَّنْ فَإِنَّ الْحَيْرَةَ عِنْدَكَ اَتَمَّ :**  
**مَالِي سِوَا فِقْرِي لِيَدِكَ وَ سَيْئَلِي : فَمَا لِاِقْتِرَارِ عَمَلِي لِيَدِكَ فَقْرِي اَذْفَعُ : مَالِي سِوَا فِقْرِي لِيَدِكَ حِلَّةٌ :**  
**فَلَا اِنْ رَدَدْتَ فَأَمِّي بَابِ اَقْرَعُ : وَ مِنْ اَلَّذِي اَدْعُو وَ اَهْتَفُ بِاسْمِهِ : اِنْ كَانَ بِاَيْدِكَ عَن فِقْرِي كَيْفَ**  
**حَاشَ لِلْجُودِ اَنْ يَقْنَطَ عَاصِيًا بِاَلْفَضْلِ الْجَرَلِ وَ التَّوَابِ اَتَمَّ**

ایضا برای محویت گناہان و روشنی دل از خواہر جنید رحمۃ اللہ علیہ تجلوس و خضوع دعا کند الہی یوس  
 علیہ السلام دعا کرد و نیز و کورد تبارکی گناہان خودش اجابت کردی اورا من دعای کتم مر آمرزیدن  
 گناہان خود پس مرا اجابت کن الہی ابراہیم علیہ السلام از تو خواست زنده کردن مردہ پس اجابت کردی



او و همند کس از قرآنیان او بیامرز و در میان تیره و تار و در زمان ندارد و از دور سر و منقاد و گویند  
 که چیز چیز این است اما بکار می آید که در آنجا که گشتی آمد که در آنجا که گشتی آمد که در آنجا که گشتی آمد  
 از روزم اگر این اجهل بنویسد در خانه یا در جهنم یا در آتش نگردد و اگر آتش گرفته باشد در خانه سفید این نامها  
 در زمان آن است که بنویسد در میان آتش اندازد آتش فرو نشیند چهارم اگر این نامها بنویسد در میان خزیه در هند و در دیدن  
 و در وقتن و وقت شدن ساعت مانند تیران این نامها بنویسد بر آن آب بنویسد هر چند که راه برود و مانده شود  
 شد اگر لمخی در کشت غله غلبه کند این نامها بنویسد بر سر جوی کند در میان کشت بپسندد در آن کشت  
 زبان از ساند بفرستد اگر بدروزه مانند این نامها بنویسد بر آن چپان زن به بند در حال بار بپسندد  
 بر چند بار که غمناک نوشته در آب یا شیر یا در چیزی دیگر بطلبد بخواند در محبت بی نظیر است بکن بنام  
 چهارم کس بنویسد نام این اسمها بر چهار باره سفال آب نرسیده نوشته در پایه در جوی هر روز یک بار  
 انداخته باشد جفت نزول بارش محراب است هم اگر دفع بارش مراد باشد بهال سفالهای نوشته بقرار  
 مذکور ساعتی مقابل آتش گذشته دارد حکم الهی دفع خواهد شد ضابطت این نامها بسیار است در هر چه کار  
 بند و موتراید فایده بیست و هفتم در میان دفع صبح باید که برای صاحب صبح بخواند سوره فاتحه و  
 آیت الکرسی پنج آیت اول سوره جن و در آب پاک بندد و بر روی صاحب صبح بریزد بفضله تعلق  
 افتاده شود و بر چهار گوشه مکانی که سکونت دارد و از آن آب زند بهتر باشد ایضا بخواند بر صاحب صبح  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلْعَصَا طه طه طه طه کَمِیْنَةٌ یٰسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ عَسُو  
 نَ وَ الْعَقْبَةِ وَ مَا یَنْظُرُونَ ایضا روایت است از این قیتبه که گفت حدیث میکرد با من مروی  
 از بنی تمیم که پیش من غلامی بازی میکرد وقت غروب آفتاب پس صغریا شد پس گفتم او را چه کار داری با نظرت  
 من پس گفت لبسان فیصح این وقت نماز است آیا نفرمودی غیر علی الشریعه و سلم احتفظا صبیا لهند  
 غروب شمس پس گفتم راست است دور شو از وجهه لاجل و لا قوة الا بالله العلی العظیم  
 پس دور شد از او و نماز عاود کرد ایضا بخواند بر صغریا تو را تعالی قل قاله اذین لکنه اقم علی الله  
 تغذوف ایضا بنویسد سالی اسحاب که در چهار گوشه خانه که در آن صغریا سکونت دارد و در محراب  
 ایضا اگر کسی را در رخ و دیگری از طارق جن پس بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم و الصافات صحفا  
 الی قوله شهاب ناقد فامده بیست و هفتم در دفع زخم و عرق النار و غیره چون بر جسم کسی در سالی  
 یا زخمی پیدا آید بنویسد و بشوید از آب و بر آن رشته زند بفضله الله بزرگوار است بسم الله الرحمن  
 الرحیم بلایه بین الله در سوله الی کل علة لا ینفخ ولا تورج ابنا انشاء الله تعالی جنة

طلعت فی محسرة بما لا اصل لها نابت ولا فرع لها نابت بسم الله ارفعك الله يشفيك ويعافك  
 ويسألونك عن الجبال الی قوله عوجا ولا امتا ایما الاله النابت فی الجده الذی لا موت  
 مت بقدره الحس الذی لا موت وصلی الله علی سیدنا محمد و آله وصحبه وسلم ایضا  
 برای در میگز و گوش می شود این دعا بخواند مرتبه و بدید موضع در صبح و شام بکن بفضله  
 آرام ابد نیست و لوان قرآن سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلمه به التوقی بل  
 لله الامرت جینا بعد رسه بر سوره فاتحه و اخلاص معوذتین محراب است ایضا برای بر علت  
 فرمود رسول علیه السلام بر سر کسی که بیماری وقت طلوع شمس غروب آن بخواند این دعا و لوان قرآن  
 سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلمه به التوقی بل لله الامرت جینا ایضا  
 العلة و يسألونك عن الجبال فقل ينسفها و يفرغها فاصفصفا لا ترعى فيها  
 عوجا ولا امتا كيف انت ايها العلة و لوان قرآن هذا القران على جبل لزانته خاشعا  
 متصدعا مت خشيعة الله كيف انت ايها العلة ايضا برای عرق النار این دعاست بار بخواند  
 و بر آن بدم آیتها العرق النابت فی الجحیم اللین میت میت پاکذت الله تعالی الحس الذی  
 لا يموت ایضا شکایت کرد عثمان بن عفان ابی العباس از درد جسم خود بخدمت نبی صلی الله علیه و سلم فرمود  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم بگو بسم الله سه بار و هر وقت بار بجزنة الله و قد آة الله من شبر ما أجدد لها  
 ایضا برای درج قلب محراب و فایده است بنویسد این عزیمت و بشود باب بخواند الهم را انگشت ده  
 ۵۰ تنبیه الی ولی ۴۴۴۴۴۴ ایضا برای من از هر علت و درد بنویسد و تعویذ دارد  
 و لوان قرآن هذا القران الی آخر السوره و لوان قرآن سیرت به الجبال او قطعت به الارض  
 او کلمه به التوقی بل لله الامرت جینا فامده بیست و هفتم در عمل سندی و بود بسم الله الرحمن  
 الرحیم رهینا سیرنا سقینا لک الجحیم سیری سند و فی اقامه مطبخ سواها ته بدو حیات  
 شیخ الثقلین یا قطب ربنا فی محبوس سنجانی نقوت صمدانی یا حاضر قحی الدین عبد القادر  
 ابن محمد صالح جیلا فی احضری بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم  
 یقوم یوم الخمیس یفطر فی فی و یقرأ بعد انقضاء ریح اللیل او نصفه الفا و واحد یخصر  
 اشکالا مهبیا و یجلون ویقولون بالتمی نخ ملقم ایاک تم قم وخذ طریقک و اصرع و اصرع  
 و فلا یاس بترعیم ثم یدهبون و تجی بعد هم امراه حسینا شایا و تقوم علی وجهک تقول فما  
 مقصودک من دعوتی فاصرع و قل لصلحی انی حاضر لخدمه فلیقل ایاها یا امی انی



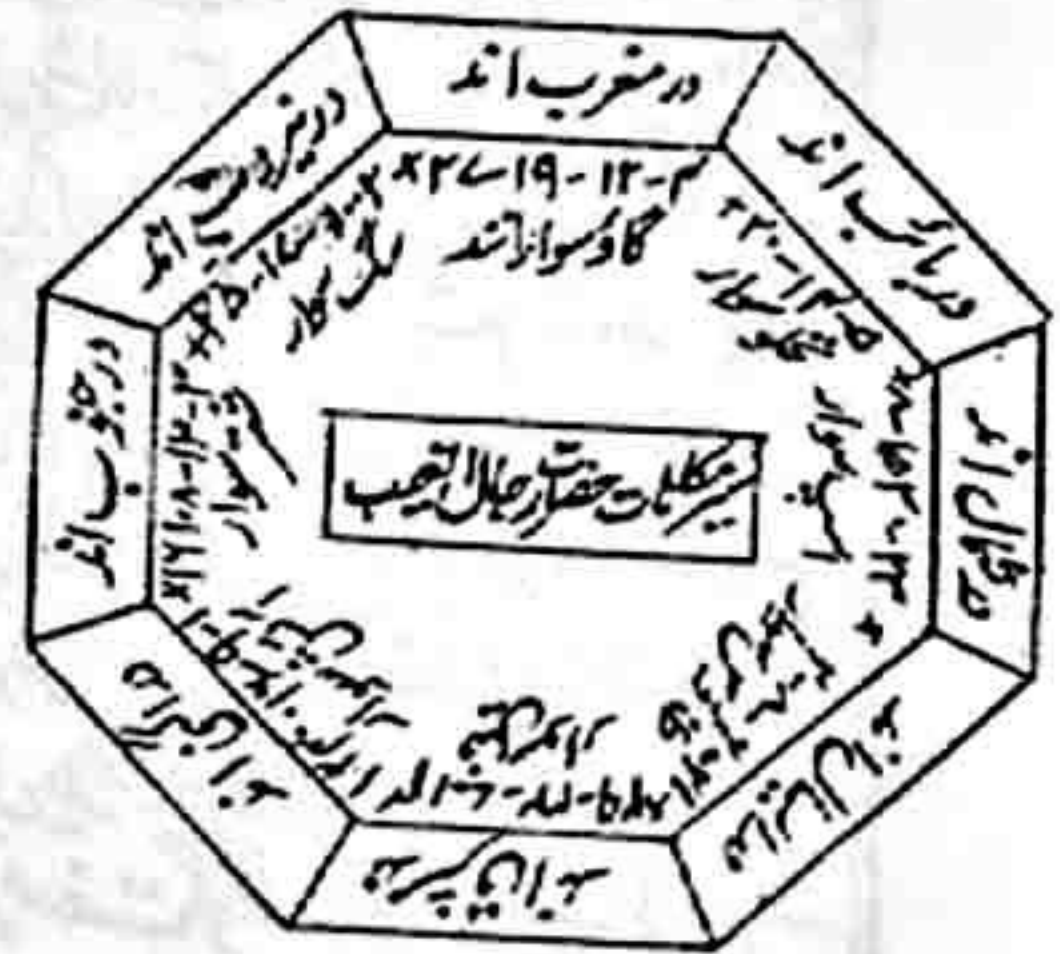




بجنتک یا ارحم الراحمین ایضا این تعویذ را در کسوف یا خسوف بنویسد و با خود نگهدارد و عجیب است

ق	ا	ب	ض
۵۰۰	۳۰۲	۴۰	۴۱
۳۰۰	۴۰	۰۱	۶۲
۳	۵۶۰	۳۴	مقدم

فائده سی و چهارم در معرفت رجال الغیب چون در جیب بود مال را شود دان چون در راست بود نقصان بالمش بدان چون در پس بود تخم مردودان مقابل عرش کند قصد جان برین نازره نگاه کند طالب خیرات



رجال الغیب اول نگاه برین دایره نموده نمایند که ایشان از کدام برج قرار دارند آیا ستاره شده دست بر یکدیگر گرفته چنانچه در نماز ایستاده میشوند بناده رو بسوی ایشان متوجه و تعظیم تمام کند و دل خود را متوجه نموده تمام خود را حواله با ایشان نماید اول ده بار در رو و فرستد

بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیکم یا حضرت رجال الغیب السلام علیکم یا ایتهما الارواح المقدسه المطهره اعیونی بقوه وانظرونی بنظرة الی الامر الذی قصدت الیه یا رقیب یا نقباء یا نجباء یا غوث یا قطب یا قطاب یا خیر یا سلیح یا زهاد یا عباد یا اوتاد یا ابدال یا اعمار یا اوتاد یا قطب یا غوث اعیونی اعیونی اعیذونی بحمده الله وبحمده محمد و المصطفی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم استظهار من باشما است امید من از شما است بعد از آن به حاجت و التماس که در خاطر داشته باشد عرض نماید البته مقصود حاصل شود تک نیار پس آنگاه پشت بجانب ایشان کند چنانچه کسی تمکید بر دیواری یا درختی کند لحظه ایستاده باشد بعد از آن هر که خواهد بخون شود در آن روز از دست آفتها و کلفها این باشد فائده سی و پنجم در تسخیر و کالیف مستخرج من علی کل مخلوقات

اجب یا جبریل بحق یا باسط باید که عمل بدو بعد از نماز عشاء صد شصت بار بخواند و اگر فرصت نباشد چهل و یکبار یا بیست و یکبار اول و آخر در دو خوانده باشد و هرگاه که پیش کسی رفته باشد یا نزد یار مع اول و آخر در دو بار خوانده بر خود میدهد باشد مطلوب را پیش پا افتاده تصور کند ایضا یار و شکر بگوید موم را یکبار کند و این آیت را بر کاغذ بنویسد بنام چهار کس این کاغذ و موم و شکر را یکی کند و بگوید بعد از آن صد غلوه کرده سوره خ کند و تسبیح سازد و آیت اینست لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ يَا الْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَمَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ همین آیت بخواند و تسبیح بگرداند چون صد مرتبه شود تسبیح را نیز بگویند یا ویز و یا م کسکه کرده باشد دیوانه واریساید ایضا تسبیح جموع بعد از آیت فان توالوا الی العرش لعظیمی مرتبه بخواند و هر بار بعد آیت یک مرتبه اللهم انت یارب جبرئیل علی فلان بن فلان اعطف قلبه علی و ذر کلک لیک مرتبه مجرب است فائده سی و ششم در دفع کردن دشمن و هلاکت باید که در ساعت زحل زیر سما سر برهنه ایستاده یکبار کالیف قوش یا و الصیف بخواند و نازده نقطه تصور بر آلت عدد و نفاذ الصیف را با اعداد و تکرار کند پس بر زمین را باید که در رخ مسلمان و الم یگنای و تغذیب غیر مستحق هرگز نکوشد و مضمون شریف من حفص بیل الاخیه فقد وقع فیہ بد نظر دار در قضیه منعکس نشو و کرا و تعالی افتختم حقیقی است برای متوری اعدا ماین نماز مغرب عشاء سوره قیل و لایلاف را چهل و یکبار بلا تسبیح مکرر من بخواند اعدا مقهور خواهند شد و دلیل مجرب است ایضا هر صبح و مسا هفت بار آیت فان توالوا فقل حسبی الله الی رب العرش العظیم بخواند از جمیع بیات ارضی و سماوی از شر جمیع اعدا محفوظ و مصون ماند فائده سی و هفتم در صفت بعضی لما کولات این فائده از فوائد اجنان بعینه برداشته شد صفت حلوان فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم چون عرض کرده شود بر شما حلوان پس رد میکند آنرا و گفت هر که برادر مسلمان را التماس حلوان بدو یا طعام بدو خدای تعالی او را از طعام های بهشت دهد و بگرداند از تو لکنی موقوف و تاقیامت ایضا گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر که التماس حلوان بدو برادر مسلمان را بخواهد از او برسد یا امید خیر دارد او از گور حشر کرده شود و حساب در بهشت برود و مردمان در شدت و عذاب باشند صفت کرد و از تفسیر منی ام المؤمنین عائشه صدقیه گفت رضی الله عنها که رسول علیه السلام مرا گفت یا عائشه پیشتری در دیگر از کدو بکن و چون کدو یا شیر پیشتری پس آنرا بخور بدستی که هر که آنرا بخورد دل اندو مکن وی خوش شود و بینائی چشم او زیادت شود و دماغ او قوی گردد و اندو حفظ

زیادت کند متن یا کیزه گرداند عاقله نیست از مسلمان از مردوزن که بخورد کدو را مگر آنکه نوشته شود مگر او را به بقره منقاد و سزا زنی و محو شود و منقاد سزا زنی و ببارند برای او و منقاد سزا زنی در هر روز با عایشه هر که خورد نهار که در آنجا باشد آن روز در آن روز در شکم و نه در حلق و نه در چشم و نه در کمر و نه در گوش و هر که بخورد در شب سدا و در آن شب شیخ آفتی از دیوانگی و جذام و بیسی و نه سرد دستها و نه در زیر پاهای و در سینه صفت خرمای فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بخورد خرمای را بدستیکه بکشند اگر آن را در شکم رسول علیه السلام گفت بدستیکه خدای تعالی دوست دارد و خرمای را و گفت بهترین طعام سخن خرمایست و در شکم فرزند آدم علیه السلام تا او میآید آن نرود مگر خرمای و رسول گفت نمرانیم و اعدای ما بنیدانند یعنی خرمای نهند و غیر گفت علیه السلام بدید زان را در نفاس خرمای را که هر زنی که طعام او خرمای باشد نفاس فرزند او حکم را بشود و بیاطعمه هریم یعنی الله عنها خرمای بود چون عیسی علیه السلام متولد شد طعام خرمای بود اگر چه ازین طعام دیگر بهتر بودی و صلح کنیم با رضی الله تعالی عنهما خدای تعالی آن دای رسول فرمود علیه السلام اگر بداند مردمان که در خرمای صفت است و در متن او تمام دارند و گفت مرانس را رضی الله عنه چون خرمای تر بود بوسه بدهد یعنی صفت مویز پیغمبر فرمود صلی الله علیه و سلم که آنکه طعامی است مویز سخت کند تن دندان را و در تن را بر دو چشم را بر دوایی در آن را خوش کند و نفخ دفع کند و رنگ و رنگ و صاف کند گفت پیغمبر علیه و سلم هر که دوست دارد که در آن روز صاف باشد شود و خورزی و خوش طبع داده شود و در جمل مویز بخورد صفت آن را فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بخورد با را را بسیت از دانه او که افتد در معده مگر آنکه روشن کند دل را و نگاه داشته شود از شیطان چهل روز فرمود رسول نیست از آناری که در آن دانه از آن قیظ آب است از بشت صفت سفر حل پی آورده بودند بر رسول علیه السلام سفر حل را از طائف پی آورده رسیدند بود آنرا پسید و بر چشم نهاد و بر ریح نهاد و گفت ای خدا چنانکه ازین روزی کردی را در دنیا محروم کنی ازین دنیا آخرت گفت رسول علیه السلام بخورد سفر حل را بدستیکه دل را پاک کند و در دل شجاعت و دلیری زیادت کند و فرزند با حسن و جمال زاده شود و گفت خوردن بدید زنان حامی را سفر حل بدستیکه فرزندان نیکو خلق زاده شوند صفت جناب گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم چون یکی از شما بخورد و غناب را بدستیکه دفع کند حرارت تب را و گفت چو یکی از شما را بنگم بود صفت جناب بخورد در دستیکه خون را کم کند و نخورده نشاید صفت انگور و سر مویز پیغمبر علیه السلام بعضی نکرده است خدای تعالی روح پیغمبر مسل را مگر آنکه از راهها انگور پیورید انگور رگکان یگان بدستیکه آن گوارنده است

صفت خرزیه گفت پیغمبر علیه السلام خرزیه صفتها دارد شیرین است و میازد و ترش خاما آنکه شیرین است پیرامی رو میاند و آنکه ترش است که از این است درون شکم و دست که رسول علیه السلام بگفتی خرمای را بدست راست و خرزیه را بدست چپ پس بخوردی طب بخورزه و این هر دو میوه دوست تر بود و نزدیک است علیه السلام فرمود رسول صلی الله علیه و سلم بخورد خرزیه تعظیم دارد و او را بدستیکه آب حیات است و حلاوت او از بشت است صفت شهد بدستیکه نهاده است خدای تعالی برکت در شهد و شفا است از جمل جانها و در دهر که در هرهای شربت شهد بخورد سه روز حق تعالی او را از منقاد و هفت زحمت و علت در عصمت آورد که در آن فلج و جذام است و عایشه رضی الله عنها روایت کرد که رسول علیه السلام دوست داشتی غسل و حلوا را صفت تیسر فرمود پیغمبر صلی الله علیه و سلم بر شما بادا بخوردن تیسر گفت پیغمبر علیه السلام داده شد مرا در شب معراج قدر آب خرد تیسر من اختیار کردم خیر رسول گفت علیه السلام هر که شربت بخورد این دعا بخواند اللهم بارک لنا فیہ و زدنا منہ و لا یفوتنا صفت چهارم که در حدیث است بدستیکه خدای تعالی داد و خرشته است موکل هر کسی که سر که خورد و امرزش خواهد مرا خدا تا آن زمان که خوردن سر کفای شود گفت رسول علیه السلام فقیر شود اول خانه که سر که باشد گفت به با خرد کنید سر که را که برکت است و گفت هر که سر که خورد بیرون آرد خدای تعالی از دل او غل و غش و شک و ترک کبر و عداوت و بغض و نفاق صفت پنجم فرمود پیغمبر علیه السلام باید برین جیره صل علیه السلام و بفرموده را یا محمد بخورد هر سیه آمانت سخت شود و قوت شود ترا عبادت پروردگار صل جلاله صفت گوشت فرمود حضرت علی کرم الله وجهه ای مردمان خوردن گوشت را که بشیک خوردن آن صاف میکند حلق را و رنگ بدن را از زیاده میکند شنوایی را و نیز از حضرت علی مراد است هر که خورد گوشت را چهل روز بد شود حلق او پس باید که بخورد گوشت را که گوشت از گوشت است و رسول علیه السلام گفت هر که گوشت را بد گوشت و حرام کند نفس خود او از من نیست گفت رسول علیه السلام سید الطعام در دنیا و آخرت گوشت است و هر بار که رسول علیه السلام را بجهت گوشت خوردن دعوت کردند ای بابت کرده است و هر وقتی که گوشت هدیه آوردند قبول کرده است صفت پیره گفت پیغمبر از پیره پاره کمی افتد در معده مگر آنکه می رو میاند مکان شفا را و برین می برد از آن مکان در دنیا صفت گوشت بریان دوت ترین طعام نزد پیغمبر علیه السلام گوشت بریان بود و روزی ام سلمه رضی الله عنها گوشت پهلوی بریان کرده پیش رسول علیه السلام آورد و رسول آنرا بخورد پس پایی ایستاده در نماز و وضو تا زه که صفت کباب قدید گفت دیدم رسول علیه السلام کباب گوشت قدید بخورد و در طبق نهاده پس بریای ایستاده کبابی بود در او و نرسفاله آنرا بخورد صفت

روغن فرمود رسول علیه السلام شکر شفاست و روغن زینبها و است و دوست ترین شکرها از روغن  
 پیغمبر علیه السلام شیر بود که دوست داشتنی افکار کردن بشخصت سیاه و آنه گفت رسول علیه السلام  
 یا علی ملائکه استغفاری گویند برای کسی بخانه او شهید باشد و زیوتن سیاه دانه فرمود رسول علیه السلام سیاه دانه  
 فاروی جلودار است مگر صفت خیار فرمود رسول علیه السلام هر که خیار بخورد با ملک بار خدای  
 تعالی اولی از اجزای صفت میسر فرمود رسول علیه السلام بخوبی سر او دارد و کنیزان بدستیک در شفا  
 از مفا و زحمت رسول علیه السلام فرمود بخورد بر سر خام را صفت عدس فرمود رسول علیه السلام شکر  
 با واک بخورد عدس را که مبارک است آن دل را و آب دیده را زیادت کند و بدستی که برکت گفته اند  
 در آن مفا و غیره ایضا در حدیث است که در طعام عدس شکر افکند از بوی بهشت است و دعا کرده است  
 مرا از ابراهیم و محمد علیه السلام صفت بسیار در جبر است که مردی را فرزند می شد سیاه بر رسول علیه السلام  
 تو گفتم که از آن وقت فرزند پس را مگر رسول علیه السلام ویرا بخوردن پیاز بود و گفت رضی الله تعالی  
 عنه که رسول علیه السلام هر که در چون هائید شما در شهری و در یامی و بر سرید از وین شما با واک سیاه بخورد  
 بدوستیک روشن کند دنیا را و کینه کتک آب پشت را و آورده اند که سفیان توری را در حقه الله علیه رضی  
 شده بود عبد الله مبارک عیادت او آمد پیاز طلبید از ایا راه کرد سفیان را داد و گفت بوی کن پس بوی  
 کرد آنرا و عطسه دو گفت بحمد الله رب العالمین بدوستیک ساکن شد زحمت من انسل بن مالک غیبی  
 عهد گفت که فرمود پیغمبر علیه السلام که ده چیز است که از آن فراموشی آرد خوردن پیاز و خوردن سوسیس  
 و خوردن کبچ و کشمش خشک و جامت کردن بر مغاک و گذشتن میان دوزن و نظر کردن سوی معلوبه  
 لب کردن در آب الساده و اینها سخن پیش ننده و وزارت در تیره ایضا ابن عباس گفت غیبی است  
 عنده که فرمود پیغمبر علیه السلام هر که از میوه طاق بخورد در زمان ندارد ایضا ابن عباس گفت رضی الله عنه  
 فرمود پیغمبر علیه السلام چون ترب بخورد و خواهد که بوی او نیاید بر من در و در دست در اول گردین ترب  
 بدندان و انشا الله و علامه قانده سی و هجتم در متفرقات در باب بریدن جامه نو برین ابیات عمل کند  
 بریدن جامه نو را گویند آن به کشید بود انگلیس برستان به کشاید رزق را روز و شب به بسوزد  
 یا بدوزد در شب به روز چهارشنبه شاد باشی به پنجشنبه زخم از او باشی به روز جمعه مال و کج یابی به  
 به شنبه صد طلا و درت بخایی به نو عهد مگر در باب پوشیدن جامه نو بر این ابیات عمل کند به پوشی جامه  
 روز شنبه ز نهله به اگر پوشی شوی البته بیماری به یکشنبه جو جامه نو پوشی به رسد راحت بسی نعمت نبوشی به  
 دو شنبه که پوشی جامه فاشاک به به نعمت مکنی آن جامه را چک به سه شنبه جامه نو که پوشد میان آب

اگر باشد بسوزد به روز چهارشنبه جامه در بره که آید بر سر آن جامه در بره به پنجشنبه پوشی جامه شاید که تا آن  
 جامه ات زینب نماید و لیکن زود کرد و پاره پاره به خورد و بیوسته زخم خاره خاره به روز جمعه تو می پوشی  
 جامه به چه بر این چه طاقی چه علامه به نو عهد مگر در باب غسل برین عمل نماید روز شنبه صحت یابد روز  
 یکشنبه عمر دراز شود روز و شنبه شادی بیند روز و شنبه نعمت یابد روز چهارشنبه نعمت یابد روز پنجشنبه  
 دنیا و آخرت یابد روز جمعه از بلیات محفوظ ماند نو عهد مگر موی سر تراشیدن برین ابیات عمل نماید نیست  
 به خوش فرمود امام عهد جعفر که تو خواهی بیای بیای نعم داده ز قول من نبلی روی ز نهله به دین معنی تو آ  
 کتک نگذار به به یکشنبه و شنبه موی تارک به نگیزی تا ترا باشد مبارک به دو شنبه گز تراشی موی سر را به بیانی  
 دولت بجد دل آرا به سه شنبه راست بنویز نیک مرتب به بود بیماری و اندوه تارخ به روز چهارشنبه گز کنی  
 حلق به عین و محرم باشی بر خلق به به پنجشنبه جو موی سر باید به به ششم خلق نیک تر نماید بود آینه تر نیکو از آن  
 هم به که خلقت یار گردد به بران هم به بود مگر در روز پنجشنبه که گفتن باید دانست که در روز پنجشنبه و آینه تر  
 گرفتن بسیار سید و منید است و بس فائده کسی و نیم در احکام سفر چون کسی خواهد که سفر بکند روز یکشنبه  
 قبول بخورد در آن شود از سفر باز سلامت بمقام خود آید و پنج آفت اول از سفر روز و شنبه قند خورد  
 بین آید تا سلامت باز در خانه آید روز سه شنبه آینه بیند و سفر روز و سلامت بخانه باز آید روز چهارشنبه  
 کشیز خورده از خانه بیرون آید روز پنجشنبه صلوة و کلمه طیب گفته بیرون آید سلامت رسد روز جمعه نهات  
 خورد بیرون آید باز سلامت آید روز شنبه قلیه و نان خورده و طعام نیک خورده بیرون رود و در رسد  
 و الله اعلم بالصواب ایضا باید که قبل از روانگی سفر دو کلمه نقل بگذارد در هر رکعت آیه الکرسی مبارک  
 بعد از سلام سوره قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص و سوره فلق و سوره ناس و سوره فاتحه بخواند  
 لیکن باید که اول و آخر هر سوره بسم الله بخواند بعد از آن دعا کند که اللهم من اهل عیال و اهل  
 و جان و مال و عزت و آبرو بر تو سپردم و حواله کردم تو عاقل حسیق و مالک الملک استی و اهل عیال و اهل جان  
 جمله اسباب بر الطیفس حبیب پاک خود در همه اوقات و بلیات محفوظ دار آیین یارب العالمین فائده چهارم  
 احکام عمارت مکان در بنای خانه باید که برین ابیات عمل کند ایست به بنای خانه در ماه محرم به بود  
 جای ماتم و غم به سفر بر گز نباشد سارنگاری به ریح الاطل آید بالمداری به ریح الاخر آخر بسوزد به جمادی  
 صاحب خانه بسوزد به جمادی الاخره یکی نماید به بیعت شادی و یکی نماید به حبب با و درم گردد که قناره به شعبان  
 می شود البته بیمار به بر رمضان نیکو بیاید فرا و ال به بود آن خانه چون خورشید آید به بزرگی  
 در ماه شوال به بسیند راحت و هم صاحب مال به خصوصتها بود در ز قناره پیدا به بود جنگ و

جدال دائم بود بنای خانه دزدی الجحای یار بیانی نعمت در هم مال بسیار بود در روزهای سعد  
 و نحس نمای خانه در شبها گریه و ناله بود بدست آید فراوان مال و نعمت به قدر آتش به شنبه مقرر: اگر کرد  
 بنای خانه کسری دو شبه صاحب آن خانه کسری بدست آید شود در زندی رنج به شنبه گریه سازد دعوات  
 بر سر صاحبش بی حس و عملت: اگر در چهارشنبه شد بنای: شود مسکین صالح یارسانی:  
 بنا کرد و اگر پنجشنبه بجای: خداوندش بود حاجت روانی: بر روز جمعه سازد خانقاهی: بیاید رزق  
 صاحب مال و بجای: فالده جهل و کمدن خواهی بجد بنا کرد جمله بیت و شست حروف اندک مجموع وی بجز  
 باشد چون خوابی که جمله را سحر کنی نیست و شست بار نوشته در آب بشوید و بخوراند ایضا اگر بیت شست بار  
 نوشته بنام دشمن بسوزد دشمن بپاک شود ایضا اگر بگفتی نوشته بر شست کن کاغذ نام دشمن آویزان  
 و بسوزد دشمن کند دشمن از خانه و بان آوازه کرد ایضا اگر بگفتی نوشته در خاک نهان کن در قبره بگرم  
 الله تعالی غائب پیدا شود: ایضا اگر کسی بپوشد میان مجلس علمای بدار و البته شکر ارواح و بخت در آن مجلس  
 سخت بدید آید تخمین اگر در مجلس علمای بپوشد و غایب می رسد که سخن ریزی گراید ایضا اگر طباب  
 شسته بجزوی بخارند عجب بپوشد ایضا اگر کسی نوشته در میان جنگ سمرقند خود بر بندد دشمن مقبول  
 گردد ایضا برای زبانی شیر عودت را نوشته بخوراند ایضا اگر کسی نوشته در گوی کوهک بندد آن  
 ترسیدن و زمان باشد ایضا اگر طالب العلم را نوشته بخوراند دشمن او صافی و عالی شود ایضا اگر نوشته بر  
 درخت میوه درین کوه میوه بیشتر در و خوشگوار باشد ایضا اگر نوشته در چاه آویزان کند باران  
 بسیار بارد ایضا در کینه سی هندو هشتاد بار بخواند هر کجا نیت رسد رفتن شنبه سی صد و شصت  
 و هفت بار بخواند مراد او بالا کرد روز شنبه چهار صد و سیصد بار بخواند هر مراد حاصل شود  
 و عجب بپوشد روز چهارشنبه باشد شش بار بخواند در عالم افتخار و مباهات بیند روز پنجشنبه چهار صد  
 و دوازده بار بخواند شجر در عالم پیدا شود و در جمعه یکصد و سیصد بار بخواند معشوق عاشق گردد و دشمن  
 پیچاه و هفت بار بخواند قروح عظیم سده خواص اسب بسیار است اما متفر کرده شد و آن اینست اسب  
 هو خصلی کن سعفه شست محمد ضلع فالده جهل و دروم در تدبیرش سحر و جادو و چون کسی  
 را سحر کرده باشد یا بیکه این بیت خون ماکیان سیاه آشک و زعفران و گلاب نوشته در  
 گوی بندد هفت روز کار عین نوشته آهفت روز بخواند بر لب سنبلیله آن الله لا یضی عملاً لم یضی  
 إنما صنعوا کذباً مسلحاً لا یفیلو الشجر حیث أتى یحیی اهیاء و اشراهی ایضا برای دفع سحر بیان  
 بر باره کاغذ نوشته در گوی بندد و بر لب است بسم الله الرحمن الرحیم

عَنْ مَثُ عَلَيْكُمْ بِأَعْدَيْتِ بِمُسْلِمَانَ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اَهْيَا شَرَاهِيَا بَطُوسًا لِبَارِئًا لِمُوسَى قَاهِرًا بِحَقِّ كَيْسِ عِيْدُ كَرُورِ حَتَّى وَيَكْتَبُ عِبْدَهُ زَكْرِيَّا إِذَا نَادَى رَبَّهُ  
 رَبَّنَا أَخْفِيَا كَمَا قُلْنَا أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ  
 الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْغَيْبِ وَالنَّاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ بِنُورِ سِيدِ وَرُكُوبِ بِنُورِ سِيدِ وَرُكُوبِ  
 اسْتَبُورِ سُوْرَةِ قَاتِحِ وَجِيَارِ قُلْ وَقُلْ لَعَالَى لَقَدْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا  
 مَأْسُورًا بَعْدَ أَنْ يُنْزِلَهُ نَقِضْتَ سَحْرَ كُلِّ سَلْعٍ وَعَقْدَ كُلِّ عَاقِدٍ وَكَيْدَ كُلِّ كَاذِبٍ عَنْ فُلَانِ بْنِ  
 فُلَانِ بِالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَيَا سَمَاءَ اللَّهِ تَعَالَى اَهْيَا شَرَاهِيَا بَطُوسًا لِبَارِئًا لِمُوسَى  
 شَدَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْقَبِي السَّحْرُ سَاحِدِيْنَ قَالَا أَمَّا بِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ رَبِّ مُوسَى  
 وَهَارُونَ نَقَضْتَ أَيُّهَا السَّحْرُ وَالْعَقْدُ وَالْكَيْدُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى الْقَامَةِ  
 وَأَيَاتِ الْقَامَةِ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَأَقْعُوهُ عَلَى وَاتُوفَى  
 مُسْلِمِينَ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالسَّحْرِ وَالشَّيْطَانِ بَطَلْتَ سَحْرَكَ وَنَقَضْتَ كَيْدَكَ كَمَا بَطَلْتَ  
 وَالطَّوَّاسِيْنَ وَالْمَرْحُومَةَ وَنَقَضْتَ أَيُّهَا السَّحْرُ وَالْعَقْدُ وَالْكَيْدُ وَالْعَرَقُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ  
 أَنْ كَتَبْتَ شَهْرًا أَوْ مَدْرًا أَوْ حَجْرًا أَوْ ظَهْرًا أَوْ شَعْرًا أَوْ حديدًا أَوْ عَظْمًا أَوْ سِنًا أَوْ حَلْفَةً أَوْ حَيْطًا  
 أَوْ عَمَلًا رَجُلًا أَوْ امْرَأَةً أَوْ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً أَوْ يَهُودِيَّ أَوْ يَهُودِيَّةً أَوْ نَصْرَانِيَّ أَوْ نَصْرَانِيَّةً أَوْ  
 مَجُوسِيَّ أَوْ مَجُوسِيَّةً أَوْ عَمَلْتَ فِي بَدَأِ حَجَلٍ وَطَمْتَ طَيْرًا أَوْ قَبْرَتَ فِي قَبْرٍ أَوْ أَى جِنْسٍ كَتَبْتَ فِي  
 نَقَضْتَ بِتَوْرِيَّةٍ مَوْسَى بِحَيْلِ عَيْنِ زَبُورِ دَاوُدَ وَفِرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا فَتْحُ الْكَافِ  
 قَتَامِ سِينَا فِي قَوْلِهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ رَبِّكَ وَالنَّجْدُ إِلَى الْخُرُوقِ وَرَكِبْنَا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ  
 يَوْمَ فَتَى بَعْضُنَا لِبَعْضِنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ فَوْقَ الْحَقِّ وَجَلَّ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ  
 بَلْ نَقْدُ جَلَّتْ عَلَى الْبَاطِلِ قَيْدُ مَعَهُ فَرَادَا هُوَذَا هُوَ فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ  
 مَا يَأْكُفُونَ أَنْغِيدِ يَا اللَّهُ يَغْوَنَ وَرَبُّهُ اسْلَمِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يَرْجِعُونَ  
 أَوْ مِنْ كَانِ مِيثَاقًا حِينَا وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ  
 لِلْعَالَمِيْنَ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ  
 لَيْسَ تَعَصِبُ وَدَشَمْنِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ الْيَاسِ  
 أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَجَارُ مِنْهُ بَدَلًا وَلَا نَجِيْرًا وَأَعُوذُ بِرُوحِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْيَاسِ  
 بِجَلِيلِ الَّذِي لَا يَجُورُ جَارَهُ الَّذِي يُمِيطُ السَّمَاءَ آت

ان تقع على الارض الا باذنهم من شرا الثامة والعامية وميث شرا ما ذرا في الارض من شرا ما يخرجه منها ومن شرا ما يخرزل من السماء وما يعرض فيها ومن شرا ما ذرا او من شرا كل دابة انت اجدينا صيقلان ربي على حياط مستقيم فامده جهل وموم در شفا المرن  
 كسيت مرض وغو چون در یافت مرض خواهد که در بیم مرض کدام علت عارضه است باید که نام روز و نام مرض بحساب جمل عدد بر آورد و چهارگانگی که مخرج کند اگر یکی ماند حرارت است اگر دو ماند اولی بدم خون بود اگر سه ماند سینه دیو پری اگر چهار ماند اثر جادو است ایضا اگر کسی بیمار شود نام وی و نام باوری بحساب بجمع کند و آنچه از آن تو گذشت باشد بر آن افزاید و بستان روز افزاید بعد از سی طرح دهد و باقی آنچه ماند بخانه نگاه کند اگر در ناله حیات است امیدوار باشد و اگر در مات است مختلف بود و باید که صدقه بدهد و امید از خدا دارد -

ایضا برای حصول غایت جسمانی صبح و شام این دعا را و طیم سازد  
 اللهم عافنی فی بدنی اللهم عافنی فی سمعی اللهم عافنی فی بصری لانه الا انت ایضا در گوش مرض هر وقت دم کند نصیبتی ما خلقناک الایضا این دعا بسیار کسب و شام

مسخرانده باشد در بنا الله الذی تقدس اسمک امرک فی السماء والارض کما رحمتک فی السماء فاجعل رحمتک فی الارض واعفد لنا ذنوبنا و انت رب الطیبین انزل رحمتک من رحمتک و شفاء من شفاءک علی هذا الوجع اول المرض والالم ایضا روايت است از عثمان ابن ابی العاص که شکایت کرد که او پیش رسول الله صلی الله علیه و سلم از وجع کرد و هم خود داشت فرمود نبی صلی الله علیه و سلم که بزودت خود برو وضع اطمینان بگویم بلا بیهوشی و رفت با ما عود بجزایة الله و قدرته من شرمنا اجد و احاذر ایضا روايت است از ابن عباس رضی الله تعالی عنهما که فرمود نبی صلی الله علیه و سلم که بگویند بر مرض و بد بر روی هفت بار

سأل الله العظیم رب العرش العظیم ان یتفیک ایضا روايت است از علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه که چون خواهد که خداوند تعالی از حج او جاع و اسقام و امراض شفا دهد پس بنویسد قول تعالی لو انزلنا هذا القرآن علی جبل ما اخر سوره و بنویسد لو ان قرانا سدرت به الجبال او قطعت به الجبال او کلمه به اللوح بل الله الامر جمیعاً و در گویید بند و ایضا بنا بر امتحان کردن بیماری این طلمس را بر سفال تو بنویسد و صاحب مرض هفت مرتبه از سر تا پا تصدق نماید و در آتش اندازد و

عاشیات

۹	۴	۳	۲	۱
۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۰
۲۸	۲۶	۲۳	۲۲	۱۶

خانجات

۱۱	۸	۷	۶	۵
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
۳۰	۲۹	۲۷	۲۵	۲۳

چون سرخ شود و در او و نظر کند اگر حروف سیاه باشد بدانند که مرض جسمانی است و اگر حروف غایب شود سایه جن و پری باشد و اگر حروف سرخ بر آید آسب است و اگر حروف سفید بر آید اثر دیو و جن و جادو باشد این است ط ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ایضا اگر امتحان مرض منظور باشد که صحت یا بیماری است این نقش را نوشته در پشت پر آب کرده تعویذ بر آب بنده زد اگر تعویذ بالای آب بنامند شود در آب غرق شود بگرد و اگر در مابین ماند رنگ و آزار کشد اینست  
 ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ایضا برای حصول شفا از هر گونه امراض این نقش بر کاغذ صغیر نوشته صبح و شام بخورد اینست و در زیر این نقش آیات شفا بنویسد و پیشف صد و در قوم مؤمنین و سفام

لمانی الصدور یخرج من بطونفا شراب  
 مختلف الوانہ فی شفاء للناس نازل من القرآن  
 ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و اذا مضت فمض  
 یتفین قل هو اللذین امنوا هدی شفاء -

۱۸۳۹	۱۸۴۲	۱۸۴۵	۱۸۴۲
۱۸۴۲	۱۸۴۳	۱۸۴۸	۱۸۴۲
۱۸۳۲	۱۸۴۴	۱۸۴۰	۱۸۳۲
۱۸۴۱	۱۸۳۲	۱۸۳۵	۱۸۴۶

ایضا برای دفع امراض این تعویذ صبح و شام می خورد  
 باشد خوب است ایضا برای دفع هر بیماری نوشته بخوراند  
 مجربات ایضا برای دفع

۶	۴	۱۰
۱۱	۷	۲
۳	۹	۸

بخوار نوشته بخوراند ایضا این طلیقه در بینی دو در بند  
 بخار و قح شود ایضا این اسامی بسیار کنای  
 صحت از هر مرض و برای حصول هر تقصد  
 الله الواحد الملك الحق یسبحه الخلال والفی

۳۹	۵۳	۵۰	۴۶
۵۱	۴۵	۴۰	۵۲
۴۲	۳۸	۵۵	۴۱
۵۴	۴۲	۴۳	۴۹

صالح و یدر که العین لیس کشته شعی و هو اسمع البصیر و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم ایضا اگر کودک لاله باشد صبح گویند فریب نمی شود نوشته در گردن او یا در گوش او یا در فرج او یا دست حلوس و دوش هینوس جلوس سلوس ساعت هل دو یا حی و ما طیور انه من سلیمان وان یمم الله الرحمن الرحیم بحق البویکین الصدیق رضی الله عنه اکبر و بحق خلق الارض و السماء برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا برای فریب شدن گویند









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قانده برای کردن عمل عورت این ام را بر کاغذ نوشته بران راست بند  
 والبقه حمل دفع شود و بسم الله الرحمن الرحيم التکون البکول ولا قرة  
 الابان الله العلیم عقی ایها خالص یا مخلص بحق ایاک تعبد وایاک نستعین نوحه کبر  
 واسطه جلدی جتنی عالم عورت کے اس بہر توت کو پیل کے پتے پر لکھ کر اور تازہ پانی لے کے  
 دھو کے پلاوے اور دوسرے کاغذ پر لکھ جائز ہے۔



قاندہ برای دفع اختلام بر کمر بند و اختلام نشو و اینست  
 قانده برای دفع اماس زیر گوش و گھو بز موضع اماس  
 بنویسد۔

ا	ب	ج	د
د	ج	ب	ا
ب	ا	د	ج
ج	د	ا	ب

مع	موضع
مع	موضع

قاندہ برای فروخت شدن متاع نوشته در مع بند و یا خود دارد و اگر دست باشد یا برده باشد  
 در گردن او بند و بفرمان خدای تعالی فروخته شود بسم الله الرحمن الرحيم قنما فیض من حیث  
 افاض الناس واستغفر الله ان الله غفور رحیم الصابرين والصادقین والقانتین و  
 المنفقین والمستغفرین بالالاحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واستغفر الله  
 لکم اجمعین یا کریم بجدتک وعظمتک یا حمیط یا رحم الراحمین قانده چهل و مضتم در  
 ذکر بعض ادویه واضح باد شجاعت مرقومہ الذیل اکثر مجرب است و بارها تجربہ رسیده اگر چه هزار کتاب  
 حکمت از مثل اینها پانزده گون چونکه نجات پذیرد عمل اندر محیطه تیسری در آید قانده برای در وقت  
 مغز کویٹ خام بر آورده یا یک کوفته بر موضع درد بند در روز متواتر بفضل تعالی صحت یا بد قانده برای  
 دفع مرض سنگ مثانه بیار و عرق میشر یا آتار و سفوف روی مصلی یک توله و عرق بھون آمد و توله  
 بر رانجا کرده تا هفت روز نهار بخورد از ترشی بادی شمسینی اختر از نماید کریم الله تعالی ہر ہر بول سنگ مثانه

پاره پاره شده بیفتد نافع باد قانده برای دفع ناخونہ و نزول مجرب است بیار دو نیم برگ نیم زرد و یک  
 نیم دانہ مرخ سیاہ در ظرف بدری از سپاری کھوئی سائید مانند سرمر کرده نگہدار کا از انگشت در چشم کشد  
 و بر نیز از ترشی و بادی و غسل نماید از شانه تعالی شفا شود قانده برای دفع مسہ لویا شمشیر از تنگی  
 دو توله و میل دتی تباکوی خشک که اکثر ابل فرنگ آن تباکوی خشک می کشند دو توله هر دو کمی اگر  
 حل نموده بر سر بادی لویا لیسپ نموده از آن تنگ میدد شفا شود قانده برای دفع درد دندان بروز  
 یکشنبه بوقت صبح بیدار شده شسته دهن بستر هفت بار خوانده زبان بر تمام دندانها بگرداند و دهن مضم  
 هر روز بکند در دفع شود و دندان قائم شوند هم انکلا شربت سیاہ هم کیا ایسا هم کما وقت شمع  
 کھا و هم تم مل ایکی سنگ جائز لا اله الا الله محمد رسول الله قانده برای قوت باه منوق این  
 بوزن چهار فلوس قیرہ گوشت چھلی بوزن نیم پاد و این هر دو را آمیخته کوفته نموده در روغن ماده گاوی بریان کن  
 بخورد و دهن قسم سه روز صبح بخورد و بر نیز ترشی و بادی و جماع قانده برای قوت باه  
 بیار و مال کھانه نیم پا و پینا گوند ایضا گوگرد و کلان ایضا مویز سیاہ بوزن چهار فلوس صلی  
 سفید ایضا و اینی بوزن نیم فلوس قرنفل ایضا بوزن نیم فلوس جو تری ایضا شک ماشه زعفران  
 سه ماشه تخم پنبه دو نیم پا و شیره ماده گاوی یک اند پا و بلادغن زندیک نیم پا و قند سفید نیم پا و اند گندم نیم پا و اصل سخمه جز  
 نموده نگاهدارد بعد تخم پنبه را در آب انداخته پش غیسانده در شیره ماده گاوی انداخته خوب پار میز کرده عرق باور  
 بر دیگران نهاده بمقدار نیم حصه کھوه نموده نگاه دارد بعد در روغن زرد انداخته سفوف و شانه از دو  
 صلوا پنجه نگاهدارد و صبح و شام تا چهل روز بخورد بر نیز ترشی و بادی و غسل کند بسیار نفع بیند قانده برای قوت باه  
 و غیره بیار دیوست نیک پلاس زرد بوزن پنج فلوس دیوست نیک پلاس ایضا دیوست نیک پلاس ایضا دیوست  
 نیک پلاس ایضا دیوست نیک پلاس کھوه سفید ایضا این همه پوت کوفته خشک و باریک سائید در روغن میل مٹ و پلیسی  
 والایکی یک توله میدہ گندم بوزن پنج فلوس شکر سفید بوزن هشت فلوس روغن ماده گاوی بقدر ضرورت  
 اینهمه را باریک سائید در روغن ماده گاوی نموده در روغن ماده گاوی سائید در روغن ماده گاوی سائید در روغن ماده گاوی  
 انکلا شمشیر جوان گرد و بر نیز ترشی و بادی و جماع پس تا شامی بچیت مید قانده برای قوت باه تھلب صبری  
 تا کسانه دار صینی گوگرد و همه مساوی بوزن گرفته کوفته بخور مثل بر سر نموده هر روز یک تلخ شش از شمشیر  
 علی الصبله بخورد یک هفته یا دو هفته بر نیز ترشی و بادی مجرب است شمی قانده طلا را بیک توله شک  
 موش یک توله شہد خالص دو توله کھول نموده طلا نماید ایضا انکوزه و دار صینی در سفیدی بر غن مرغ کھول  
 نموده طلا نماید ایضا عرق برگ گی برقیون یک ماشه بر سر سخی نموده از زیران تا از اولیب کند

بیجا و سه روز یا شش روز ایضا در صبح نیم دردم در بدن بدارد و بخاید و وقت مجامعت بر قضیت باسد  
 سخت گردد وقت انزال لذت بسیار ایضا طمطم گردد تر بتر تم شش منزه حب السلاطین یک  
 دور داشته دروغن کعبه سرخ کرده بعد وقت حل نمودن قدر یکسها انداخته حمل نماید و صفا کند تا بهفت  
 روز نهایت نر و زهر سبز از جمله کف فائده نسخ میسوی بچنگ و اول هر سال دو تولد منسل یک کله سهاگ  
 یک کله تخم ترب یک تولد کزدم دو عدد جو تک خشک یک تولد روغن کعبه کورسیر اشایی مذکور را سوای تخم  
 ترب سهاگ در روغن مذکور انداخته چوش دهد تا که بریان شود و سوخته نگردد و مارصافی قابل سبی چرب کرده خفته  
 نگاه داشته بند و بالای آن برگ قبول برسان خام بند فائده نسخ کباب سینه خشک باریک  
 ساییده بخته چهار قطره روغن ششین انداخته بالذات خشک فلوکس جو کوب ساخته در ظروف انداخته چوش کند  
 آب کله در روغن کله سهاگ فائده نسخ کباب شیره بچنگ و یک کله روغن کعبه یک کله باربلد و صندل تر اشیده و آن روغن و صیره  
 انداخته چوش دهد که بلا در رخا ماند و سه هفته گردد و بکورد و غش در شش یا بد خوب شود و وقت خفتن بالذات است  
 از آب گرم بشیر فائده نسخ سیاهی عمده دوده المیوه یک کله صمغ عربی چهار تولد بچنگری سه ماشه برنج پاد  
 آثار اول کبرنج را آتش داده تا که نیم خام بماند بعد از آن آب بوزن یک آثار در آن انداخته آهسته آهسته از روغن  
 آرد لجه دوده را در پارچه چهار رخ تراوی بسته و شیره مذکور حل نماید بعد از آن المیوه صمغ عربی بچنگری  
 در آن انداخته متواتر یک پاس خوب حل نماید بعد از آن عمل آرد بسیار خوب مجرب است -

### ضمیمه نسخهای قوت باه

این نسخها از مجربات اند و در قوت باه و جریان در سرعت انزال غیره پیشی بی نظیر اند و حکم آرد که در این نسخه  
 جهت جریان همین سفید همین سرخ طیار سفید و غیر آن تودری سفید می سرخ تخم ترب و الی غیر آن کجا  
 ثقلب مصری شش قلی مصری ایگند تا کوری بسوس است سلاجیت موجرس صمغ عربی هر دو  
 را کوفته بخته نبات مزه با بر همه ادویه آمیخته نگهدارد و هر روز علی الصبح یک تولد از آب تازه بخورد  
 نسخه برای دفع نامردی دار صینی تین ماشه قنقل ۳ ماشه مضطکی ۳ ماشه الکنگتی ۶ ماشه قضیب گادوسون  
 کرده ۶ ماشه سندرموکه ۳ ماشه تخم ترب ۳ ماشه مغز پیچیده دانه ۳ ماشه تخم کز ۳ ماشه تخم شلغم ۳ ماشه تخم پیاز  
 ۳ ماشه غلبه ۳ ماشه آرد نخود کبابی هم ماشه هم ادویه را سفوف باریک نموده در زردی بیضه مرغ باین طریق  
 که اول در زردی شهید و آب پیاز مخلوط نموده بر آتش قدری غلیظ کند بعد سفوف را داخل نموده

یکدل کند که تمام ماند و نه بخته شود پس هر روز نه ماشه تا یک کله بخورد نسخه برای قوت باه و مغلط منی و  
 دفع سرعت انزال مجرب است موصلی سیاه یک کله موصلی سفید یک کله همین سفید یک کله همین سرخ یک کله  
 مغز خسته تمر نندی یک کله لطلب مصری یک کله کز ۳ ماشه در اول صبح سفید یک کله ریح کله یک تولد مغز خسته جامن سه دوره  
 یک کله نبات سفید هم وزن ادویه داخل کرده بمقدار یک کله علی الصبح بخورد و بر آن شیر گاو و نصف آثار  
 بنوشد و دیگر نر و البنج خراسانی ۹ ماشه زهره گل نیلوفر یک کله مغز خسته تمر نندی یک کله براده صندل سفید  
 ۶ ماشه گنار فارسی ۶ ماشه تخم نال کما ۶ ماشه گل قیطان ۶ ماشه کبریا ۶ ماشه طباشیر کبود ۶ ماشه صمغ عربی  
 ۶ ماشه زهره خطائی ۶ ماشه مغز تخم کدو ۲ کله مغز تخم خیار دین ۲ کله مغز بادام شیرین ۲ کله عرق پیاز ۲ کله هم  
 ادویه را سفوف نموده برابر شیره خشت داخل کرده هر روز علی الصبح شش ماشه با شیر گاو تازه یا از آب  
 تازه بخورد تا سه هفته عمل نماید نسخه دفع سرعت انزال که از حرارت باشد دفع شود بسوس پیچول ۶ ماشه تخم  
 خرفه ۶ ماشه کشید خشک سه دوره ۴ ماشه هر روز چهار ماشه با شیر گاو یا آب آمار علی الصبح بخورد نسخه جهت جریان و  
 و بند کشاد و پر مجرب است کیری بول کیری اجبه کیری اندمخر تخم تمر نندی کیری تخم سرس موجرس ثقلب مصری  
 مساوی الوزن کوفته بخته نبات سفید بمقدار هم ادویه داخل کرده هر روز علی الصبح یک تولد همراه آب تازه  
 بخورد و این عمل را تا چهل روز زمین طور عمل کرد و پر سبز از ترشی و بادی و مرطح سرخ و ماهی و جرات ضرور  
 است نسخه ایضا موجرس رال سفید سیاری دانه آوچی خورد طباشیر صمغ عربی مساوی الوزن بگرد و هم با  
 کوفته بخته سفوف ساخته نگهدارد و نبات سفید بمقدار هم ادویه مخلوط نموده علی الصبح شش ماشه بخورد  
 در آن شیر گاو تازه نیم آثار بنوشد نسخه ایضا مزاج در سفید است اول کله و می کلان یک کله تا سفوف کف نصف سفوف  
 در آب جوش داده و آن بخته سفوفی ماند و نیزه غلیظ خشک نماید بعد همون آن شکر زری آمیخته یک کله همراه شیر گاو  
 خواه بر آب شبنم لوفت صبح بخورد و از خیسای ترش و بادی و حار و بوی تیز مثل بوی سیر سرکه و مثل آن  
 پر سبز نماید نسخه جهت جریان منی و ضعف معده سور بخان شیرین صمغ دانه اصل السوس قهشیم ماشه طباشیر  
 هم ماشه واربلد ۶ ماشه ست گری ۶ ماشه دار صینی ۳ ماشه مضطکی ۶ ماشه شفا قلی مصری ۹ ماشه هم ادویه را کوفته  
 بخته سفوف نموده نگهدارد و علی الصبح چهار ماشه با شیره فاص کف گرفته یک تولد مخلوط نموده بخورد نسخه  
 برای قوت باه موصلی سینبل ریاد آمار در سایه خشک کرده تصحیح وزن نموده در شیره کز ۳ ماشه کز ۳ ماشه کز ۳ ماشه  
 نموده و یک کله موصلی سفید نیم تولد بسوس پیچول نبات سفید نیم آثار داخل کرده یک تولد با شیر گاو خواه  
 آب تازه علی الصبح بخورد نسخه سفوف ایضا برای بیان سن رسیده نهایت مقوی است - براده  
 ذکر کز بقدار یک کله قنقل کله در یک دور برگ قبول بنگار یا معالج پاسی از شب تا صبح بخورد و علی الصبح

برخیزد فی القوت شریک و تازیه و آثار نبوده تا بیت و یک زر عمل نماید و از ترشی و بادی و جمل بر سز کند اشاده  
 تعالی زود تر فایده خواهد بخشید همچون چوب صینی از ترکیب الدین محمود و تقویت باه و معدده و دل و مرغ  
 و جگر و مشانه و گرده و بیجیل و رنگ و سرخ و بیدن قرمز میکنند و بن چهل ساز و صس چوب صینی اعلی است  
 تو را و در پیدا سفته ز ما شلاهور و مغول نامه بودند چینی اقیون روی از ترکیب کوه و سمنبل لطیف است از هر یک  
 باشد نیم مصطکی اگر خام زعفران مشک مایه شتر االی بمنزله شنب یک بنت شمله می صد اگر او با حوت تو کانی  
 مایه رویان از هر یک سیزده باشد نیم جوز لو اسباب هر یک تو را و در وقت سحر بی زرنبار هر یک سیزده مایه  
 نیم خصیة الشعلب یک که دوده باشد و نیم کدر تخم شلغم تر بیهن سفید خاک خشک مر به هر یک سیزده باشد  
 و نیم سعد کونی هفت باشد برگ کوث سندروس همه کوفته بخیزه برگ گوزبان باور نمویه گل سرخ دو الی هر یک  
 تو را و در ماشه آب جوشانیده فشانده بکله در شیره تخم خیار هر یک کله در ماشه آب پاره بر آوره هم در آب بالا صاف  
 نمایند همراه آب می شیرین و عرق گلاب هر یک کوهی تو را قند سفید لعل خالص منافع چندند  
 تو را نموده مغز خندق مغز بلغم مغز انار و مغز چغوز هر یک تو را و در ماشه بار یک نموده در قوام اندازد و زعفران را بر حق  
 کباب حل نموده بعد سرد شدن تو را بریزد و در طریقه اصول در قوام اندازد و همه دیگر کوهی و در بعضی اجزای خیل  
 هم در مثل نماید اسارون سیزده باشد نیم کله در شیره خیار تو را و در نیم مصطل میفرسد شمشیر هر یک یک کله در ماشه همچون سلسله  
 طاق صینی نگهدارند همچون سیر در قزاق این مایه قدیمه جمله مشهور ترین معاین است و آن حلیل القدر  
 شیره المنافع استیصال هر مرض بار و در طوبت یعنی میکند در اصل آن شیباه و منتظا بالوسین است و آن بتله در  
 است سخ ذالک ای فلک و نیسان و سکت در عرشه و ضیق النفس از غار زبان و معالطک فساد و صوت فریج  
 و سد و منعق معدده و کبد و امراض مقعد ساز انواع و در است و احتناق الرحم و انفع و سرخ کفتر رنگ رودان  
 مفر است بخوان و ذوی الا حراق و اکثر آن بر جیب عسل شکرین و شربت عناب و سیر کوفه یک پطل  
 و یک نیم پطل خیز تازه آن قدر بچشانند که کمی جذب شود و بعد به یک پطل روغن گاو و بعد به یک پطل عسل خالص  
 حتی که منعقد گردد پس زنجبیل فلفل دار صینی کبابه خولجان کوفته بخیزه از هر واحد و شغال زعفران یک نیم شغال  
 و قندری روغن گل آینه سخت نگاهدازد مقدار خوراکش در برودت سخت در شغال و قوتش تا  
 چهار سال باقی ماند همچون باه ترکیب فخر الدین محمد شیری من بهمن خولجان از هر یک یک لیج باشد و نیم و  
 زنجبیل سیزده باشد نیم مایه شتر االی شغال تو را و در سینه هر یک که دوده باشد و نیم خاک کوزه باشد  
 جوز لو اسه باشد نیم مغز استخر سفق هر یک تو را و در زعفران ده باشد نیم جگر شمشیر باشد نیم کوهی برگ خیار  
 بر جوش داده صاف نموده همراه چند عسل خالص بر آتش بپزند و فیکر تو را بر آتش داده و به بالا انداخته بطریق متعارف

معجون سازند مقدار خوراکش ماشه جوارش بسیار باشد در دفع بواسیر و بروزت معدده و سرخ و کوهی  
 ندارد و ص بسیار قانله کیار قدر از هر یک یک لیج و نیم باشد قانله صغار زنجبیل فلفل در از دار صینی اسارون  
 از هر یک یک و نیم باشد فلفل میاه هفت باشد قنفل لیج ماشه و در سرخ همه الكوفته بخیزه قند سفید و شتر خالص  
 بالناصف سز چندا و در مقوم سخته داخل ساخته جوارش تیار سازند جوارش در صینی جهت منعق کله و  
 مشانه و معدده نافع و کاسه ریاح غلیظ و هم مخزن اخلاط غلیظ من دار صینی از زنجبیل شامی از هر یک یک لیج  
 و در ماشه قنفل نیاه فلفل در از سمنبل لطیف از ان از هر یک یک باشد و در سرخ زنجبیل پودینه خشک  
 تو را قانله صغار و قنفل هفت باشد مصطکی بادیان روی لاریانه سلیخه هر یک باشد و نیم کوفته بخیزه لعل خالص  
 بشزند جوارش استخف در قاع ماده قونج حکم کرد و در کین الام قویه بنیظیر کاسه ریاح ملین لطین  
 و برای کوهی بلع ظهور خاصه و بیجیل من ترید و جوف سفید تو را مشوی از هر یک یک شغال زنجبیل دار صینی  
 آن خشک بسیار قنفل جوز لو از هر یک یک شغال کوفته بخیزه قند سفید لعل خالص لعل صاف لعل  
 بقوام آورده بطریق متعارف جوارش تیار نماید مقدار شربت چهار شغال

## سخنات معالج الطبع

پس از سپاس باری ببری اسقام و خیر نظام انام و سلوآه و سلام بر سر دار محمد علی الشهدا علیه و سلم  
 الامر بالتداوی من الادویا ما دامت الارض و السماء ما بعد لعینه و کرم کتاب خزینة النوائد  
 مشتمل بر فوائد عجیبه و غریبه برائے افاضه جمیع سلیس و قرائین با چشمه های غابا و فی  
 شمس فعلی اینست کپنی بر پیوسته لپیٹھا آجران کتیب و  
 مارکان شطرنج محمدی بابه شمس ۱۹۶۵ نوسطابق  
 جمادی الاول ۱۴۲۳ هجری مطبع محمدی  
 واقطع کنیا و در رود و جگاون کپی  
 علیه طبع پوشیده و بسیدیه طبع  
 صالحان گردیده  
 والحمد لله  
 ذالک

قاله و مشتمل بر فوائد عجیبه و غریبه برائے افاضه جمیع سلیس و قرائین با چشمه های غابا و فی